

حکمت

از مجموعه کتابهای آپوکریفا

گذری بر تاریخ مابین

عهد قدیم و عهد جدید

کاری از کانون راه حیات

مترجم: داود کاظمیان

معرفی

کتاب حکمت به نام حکمت سلیمان نیز شناخته شده است. از این کتاب در ترجمه سبعینیه حکمت سلیمان نامیده شده، ولی در ترجمه ولگات از آن به نام حکمت یاد شده است.

این کتاب به سه بخش قابل تقسیم است. بخش اول شامل فصل ۱ تا ۵ می‌شود که به حاکمان جهان پرداخته و اهمیت حکمت برای حاکمان را مورد تاکید قرار داده، و همچنین حاکمان خدا شناس را با حاکمان عادل و پارسا که دارای زندگی ابدی هستند مقایسه کرده است. بخش دوم کتاب شامل فصل ۶ تا ۹ و حاوی سخنانی است که به پادشاه سلیمان نسبت داده شده و نشان می‌دهد که حکمت در طول زندگی وی چقدر از اهمیت برخوردار بوده است؛ و بخش سوم شامل فصل ۱۰ تا ۱۹ است که مصریان را با قوم اسرائیل مورد مقایسه قرار داده و اهمیت حکمت در تاریخ اسرائیل را به تصویر می‌کشد.

نویسنده

این کتاب در ابتدا توسط یهودیان هلنیستی که احتمالاً در اسکندریه مصر ساکن بودند، به زبان یونانی نگاشته شده است. چنین واقعیتی که این اثر به زبان یونانی نوشته شده است، احتمال نوشتن این کتاب توسط سلیمان را رد می‌کند. نام سلیمان در کتاب ذکر نشده است، اما نویسنده همچنان از او برای اعتبار بخشیدن به نوشته‌هایش استفاده می‌کند.

کتاب حکمت ادعا می‌کند که بسیاری از مطالب این اثر، متعلق به سلیمان پادشاه است، اما بر اساس عقاید فلسفی یونان یک چنین چیزی بعید به نظر می‌رسد. این اثر احتمالاً در زمان امپراتوری یونان در مصر و احتمال به یقین در اسکندریه نوشته شده است. فراتر از آن، شناسایی یک نویسنده خاص برای این کتاب بسیار دشوار است.

برخی از پژوهشگران بر این نظر هستند که این کتاب ممکن است بیش از یک نویسنده داشته باشد، و همه آنها از یهودیان اسکندریه بودند، که سعی داشتند اعتقادات خود را در مورد خداوند در دنیای یونانی زبان و در میان اندیشه یونانی، برای همگان قابل درک کنند.

نویسنده می‌خواهد به جوامع یهودی اطمینان دهد که سنتها و آداب دینی کهن آنها به همان اندازه آداب و سنت همسایگانشان از قابلیت خوبی برخوردار

است. این کتاب عمدتاً شعرگونه و به سنت‌های مختلف فلسفی یونان مرتبط است.

زمان نگارش

زبان و عقاید موجود در کتاب حاکی از آن است که در مقطعی بین سالهای قرن اول و دوم قبل از میلاد نوشته شده است.

نوع نگارش

روند کلی کتاب بر اساس ادبیات حکیمانه شکل گرفته است. تأکید زیاد بر حکمت و اهمیت آن، به ویژه برای حاکمان، مشابه سایر کتب سنتی و حکیمانه از قبیل کتاب امثال و کتاب جامعه است. نویسندگان یهودی کتابهای حکیمانه، بر این باور بودند که حکمت، یک عطای الهی است، بنابراین، اگر با فروتنی استدلالهای خود را دنبال کنیم، به خدا خواهیم رسید.

موضوع حکمت همانطور که انتظار می‌رود در سراسر این کتاب دنبال می‌شود. حکمت در این کتاب به عنوان یک شخص ترسیم شده، و زندگی پس از مرگ نیز هر از گاهی یکی از موضوعات مهمی است که به آن پرداخته می‌شود.

پیام کتاب از ابتدا کاملاً مشخص است. نویسنده از ما می‌خواهد که به دنبال عدالت و حکمت باشیم زیرا اینها ارتباط مستقیم با حیات و مرگ دارند. بار د عدالت، شریر حیات را رد می‌کند. افراد صالح و ناصالح بر اساس عملکرد خود، پاداش‌های متفاوتی به دست می‌آورند. نویسنده تأکید می‌کند که حتی اگر شخص صالح در جوانی و بدون فرزند بمیرد، باز هم زندگی او ارزشمند بوده است. نویسنده در چند مورد، سخنان افراد شریر را به شکلی طعنه آمیز تقلید می‌کند، بنابراین خواننده باید هنگام وقوع این موارد دقت کند.

کل این کتاب بر اساس سبک اشعار یونانی نوشته شده که از اصطلاحات و عبارات متعارف عبری نیز به فراوانی در آن استفاده شده است. می‌توان گفت نیمه اول کتاب، نظریه حکمت را ترسیم می‌کند، و نیمه دوم کتاب این نظریه را به شکلی کاربردی مورد مطالعه و نگرش قرار می‌دهد.

کاربرد

کتاب حکمت مانند سایر کتابهای حکیمانه در کتاب مقدس، ما را ترغیب می‌کند که مطابق کلام خدا زندگی کنیم، در جستجوی حکمت و کسب پارسایی

باشیم. با این حال نویسنده حکمت، در دنیایی زندگی می‌کرد که در آن هنوز رحمت خدا به حد کمال نازل نشده بود. فقط به فیض مرگ و رستاخیز مسیح، ما به طور کامل قادر به تحقق خواست خداوند در کتاب حکمت هستیم.

تقسیم بندی

فصل ۱-۵ خطاب به حاکمان جهان است و اهمیت حکمت را خاطر نشان می‌سازد.

فصل ۶-۹ در ارتباط با ماهیت و سرشت حکمت قرار دارد.

فصل ۱۰-۱۹ بر مقایسه مابین مصر و اسرائیل و خطر بت پرستی تمرکز دارد.

این کتاب در قالب اولیه، بیشتر در راستای بحث و استدلال گام بر می‌دارد تا امثال. بخش اول (۱: ۱ - ۶: ۲۱) در مورد ماهیت عدالت و ارتباط آن با سرنوشت ابدی انسان بحث می‌کند.

اواسط کتاب در ارتباط با ستایش و توصیف حکمت است. در فصل ۷-۹ نویسنده از هویت سلیمان استفاده می‌کند، گرچه از او نام نمی‌برد، اما اشتیاق او به حکمت و تلاش او را برای به دست آوردن آن شرح می‌دهد. نویسنده در فصل ۷ مانند کتاب امثال، به حکمت شخصیت انسانی داده و از آن به عنوان یک زن یاد می‌کند. فصل ۹ ارائه دهنده دعای سلیمان برای کسب حکمت است. فصل ۱۰ تاریخچه حکمت را بطور خلاصه از آدم تا خروج شرح می‌دهد.

فصل ۱۱-۱۹ نیز سرنوشت صالحان و شریران را با استفاده از تاریخ مورد به مورد کتاب خروج شرح می‌دهد. این بخش می‌تواند کمی گیج کننده باشد زیرا نویسنده آنرا به عنوان یک دعا و خطاب به خداوند بازگو می‌کند و از اسم فاعل مناسب برای توصیف اسرائیلی‌ها و مصریان استفاده نمی‌کند. در عوض، او از آنها به عنوان افراد صالح، به نمایندگی از طرف اسرائیل، و به عنوان افراد شریر، به نمایندگی از مصریان استفاده می‌کند. او داستانهایی را بازگو می‌کند تا نشان دهد چگونه وقایع همگون برای شریران سبب لعنت و برای صالحان سبب برکت می‌شود.

به دنبال عدالت

۱ شما که بر زمین حکمروایی می‌کنید، هر آنچه را که درست است دوست دارید. ذهن خود را به نیکویی بسوی خداوند بدوزید. و از صمیم قلب به دنبال او باشید.

۲ آنهایی که خداوند را آزمایش نمی‌کنند، او را خواهند یافت. و او خود را به آنانی که به وی اعتماد و توکل دارند، مکشوف می‌کند. ۳ افکار نادرست، انسان را از خدا جدا می‌کند. اما قدرت او افراد احمق و بی‌خردی که او را آزمایش می‌کنند شرم‌منده می‌سازد.

۴ حکمت از هم نشینی با روح فریبده‌ای که شرارت را برنامه ریزی می‌کند اجتناب کرده و در بدنی که برده گناه است سکونت نمی‌کند. ۵ هر کسی که از روح مقدس سرشار است می‌داند که باید از افراد نادان و فریبکار دوری کند، زیرا کارهای ناپسند ایشان سبب شرمساری او نیز خواهد شد؛ و وقتی در حق افراد بی‌عدالتی می‌شود او احساس آرامش نخواهد کرد.

۶ حکمت، روحی است که فقط آنچه را که برای انسان بهتر است، می‌خواهد. حکمت، افراد گف‌گو را بی‌سزا نخواهد گذاشت زیرا سخنان خودشان، آنها را محکوم می‌کند؛ خدا شاهد بر افکار و تفتیش‌کننده قلب آنهاست و آنچه گفته می‌شود را می‌شنود. ۷ روح خداوند تمام جهان را پُر می‌کند، و همه چیز را در کنار هم نگه می‌دارد و می‌داند هر کسی چه می‌گوید. ۸ بنابراین، کسانی که سخنان ناعادلانه بر زبان جاری می‌سازند قادر به فرار نیستند، زیرا عدالت دیر یا زود آنها را به شکلی عادلانه مجازات کرده و ایشان را به حال خود رها خواهد کرد. ۹ توطئه‌های افراد بی‌خدا مورد تفحص مناسب قرار خواهد گرفت، و نیت و قصد آنها به گوش خداوند خواهد رسید و برای اعمال ظالمانه خود مجازات می‌شوند. ۱۰ گوش خدا با دقت به سخنان همه گوش می‌کند؛ حتی زمزمه‌ها را نمی‌توان از وی مخفی نگه داشت. ۱۱ بنابراین از زمزمه‌های بی‌فایده دوری کرده و زبان خود را از گفتار بد حفظ کنید؛ هر چیزی که بگویید عواقبی خواهد داشت، حتی اگر فکر کنید که در خفا صحبت کرده‌اید. زبان دروغگو، روح را از بین می‌برد.

۱۲ با کج روی و گمراهی در زندگی خود، مرگ را برای خود به ارمغان نیاورید. با آنچه که انجام می‌دهید، برای خودتان ویرانی به بار نیاورید. ۱۳ خدا مرگ را بوجود نمی‌آورد، خداوند از نابود کردن هر موجود زنده‌ای

که زندگی می‌کند لذت نمی‌برد. ۱۴ خداوند هر آنچه را که آفریده است می‌خواهد بقا داشته و پایدار باشد. نیروهای آفرینش در جهان هستی، حیات بخش هستند، و هیچ سم مخرب و کشنده‌ای در آنها نیست. عالم اموات بر روی زمین حکومت نمی‌کند. ۱۵ زیرا عدالت تا ابد زنده است.

منطق افراد دور از خدا

۱۶ علیرغم همه چیز، افراد خدا شناس با آنچه که می‌گویند و انجام می‌دهند، خود را به دست مرگ می‌سپارند. آنها با تصور اینکه مرگ دوست ایشان است خود را به نابودی کشانده و با مرگ پیمان بسته‌اند. بگذارید آنها یکدیگر را داشته باشند؛ مرگ و خدا شناسان در واقع به هم تعلق دارند!

تفکرات شرورانه

۲ ۱ افراد خدا شناس در بین خود با استدلال نادرست می‌گویند: زندگی ما کوتاه و دردناک است. هیچ پاد زهری برای مرگ وجود ندارد. هیچ کس از گور برنگشته است. ۲ همه ما به طور اتفاقی به وجود آمده‌ایم. وقتی زندگی ما به پایان برسد، دقیقاً مثل این خواهد بود که هرگز به دنیا نیامده بودیم. نفس ما صرفاً چیزی به غیر از یک دم کوتاه نیست. تفکر و اندیشه ما فقط جرقه‌ای است که از طپش قلب ما تراوش می‌کند. ۳ هنگامی که آن جرقه خاموش شود، بدن ما به خاکستر تبدیل می‌شود، و روح ما نیز پراکنده شده و همانند باد هوا می‌شود. ۴ با گذشت زمان، نام ما به دست فراموشی سپرده خواهد شد. هیچ کس اعمال ما را به یاد نخواهد آورد. زندگی ما مانند آخرین قطعه‌های یک ابر از بین خواهد رفت. زندگی ما مانند مه صبحگاهی که در معرض آفتاب قرار دارد پراکنده شده و گرمای روز آنرا محو خواهد ساخت. ۵ عمر ما در این دنیا مانند یک سایه زود گذر است. و هیچ بازگشتی از مرگ وجود ندارد. این سرنوشتی است که برای ما رقم زده شده و هیچ کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

۶ پس بیایید هم اکنون از همه چیزهای خوب زندگی لذت ببریم. پس بیایید همانند دوران جوانی به بهترین شکل ممکن از آفرینش لذت ببریم. ۷ بیایید از شراب ناب سرمست شده و از عطرها و عطرهای خوب لذت ببریم. بیایید همانطور که عمر ما می‌گذرد حتی یک شکوفه تازه بهاری را از دست ندهیم. ۸ بیایید قبل از اینکه گل رُز پژمرده شود، از آن استفاده ببریم. ۹ بیایید اطمینان حاصل

کنیم که هیچ چمنزاری از شادی و نشاط روح انگیز ما بی نصیب نمانده باشد. بیایید اثری از خود باقی بگذاریم که ما از این زندگی بیشترین استفاده را کردیم، زیرا این زندگی کوتاه، تمام آن چیزی است که ما داریم.

۱۰ بیایید از فقیر و شخص درمانده بهره برداری کنیم، حتی اگر عادل و پارسا باشد. بیایید از سوء استفاده از بیوه زن هیچ هراسی به خود راه ندهیم. بگذارید نشان دهیم که هیچ احترامی برای موی سفید بزرگان خود قائل نیستیم. ۱۱ باشد که زور و قدرت تنها قانون ما و تنها تعیین کننده حق باشد، زیرا برای ما روشن است که ضعیف بی فایده و پایمال است.

۱۲ بیایید برای کسی کمین بگذاریم که درستکار و عادل است؛ زیرا او همیشه با اقدامات ما مخالف و سبب ناراحتی و رنجش ماست. او از آن جهت که نتوانسته‌ایم به احکام شریعت عمل کنیم، ما را سرزنش می‌کند. او ما را محکوم می‌کند که نسبت به تعلیم و تربیت خود، کوتاهی کرده‌ایم. ۱۳ او به دانش خود درباره خدا می‌بالد. او حتی خود را فرزند خداوند می‌نامد. ۱۴ او تناقض اندیشه‌های ما را برملا و افشا می‌کند. حتی نگاه به او نیز باعث ناخوشی ما می‌شود. ۱۵ زندگی او مانند زندگی دیگران نیست؛ راههای او کاملاً با دیگران متفاوت است. ۱۶ او فکر می‌کند معیارهای اخلاقی ما فاسد هستند و از هر کاری که انجام می‌دهیم دوری می‌کند، زیرا ما را ناپاک می‌داند. در عوض، او سرانجام کسانی را که درستکار و عادل هستند پر از شادی و سعادت می‌بیند. او حتی از اینکه خدا پدر اوست به خود مباحثات می‌کند.

۱۷ پس بیایید ببینیم سخنان او از حقیقت برخوردار است! از اینرو او را در آزمایش سخت قرار دهیم و ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. ۱۸ اگر این مرد درستکار و عادل، واقعاً پسر خداست، پس خدا به او کمک می‌کند، و او را از دست کسانی که بر وی ستم می‌کنند نجات خواهد داد. ۱۹ بگذارید او را با توهین و شکنجه آزمایش کنیم، آنگاه خواهیم دانست که او واقعاً چقدر خوب است. بیایید تا ایستادگی او را در تحمل درد آزمایش کنیم. ۲۰ او را به یک مرگ ننگین و شرم آور محکوم کنیم، زیرا بر طبق سخنان خودش، خداوند باید از او محافظت کند.

گمراهی خدا نشناسان

۲۱ این همانا استدلال خدا نشناسان است، اما آنها اشتباه می‌کنند. شرارتشان

آنها را کاملاً کور و گمراه کرده است. ۲۲ آنها از نقشه و اسرار مخفی خدا خبر ندارند. آنها به پاداشی که تقدس به ارمغان می‌آورد، امیدوار نیستند. آنها حتی به پاداشی که برای دوری از ناپاکی در نظر گرفته شده است ایمان ندارند. ۲۳ خدا انسانها را آفرید تا برای همیشه زنده بمانند. او آنها را به عنوان یک تصویر کامل از هویت منحصر به فرد خودش شکل داد. ۲۴ مرگ فقط از طریق حسادت شیطان وارد جهان شد. کسانی که متعلق و پیرو شیطان هستند، مرگ را تجربه می‌کنند.

سرانجام افراد صالح

۳ ۱ روح افراد عادل و صالح در دست خداست، و آنها هرگز متحمل درد و عذاب نخواهند شد. ۲ از دید افراد جاهل و بی‌خرد به نظر می‌رسد که آنها مرده‌اند؛ و عزیمت آنها از این زندگی به سرای باقی، بدبختی آنها محسوب می‌شود. ۳ وقتی آنها این دنیا را ترک می‌کنند به نظر افراد ناصالح، نیستی و نابودی است، اما در واقعیت، آنها در آرامش هستند. ۴ ممکن است به دید دیگران اینچنین بباید که گویا مجازات شده‌اند، اما آنها امید زندگی ابدی را دارند. ۵ آنها اندکی تادیب شدند، اما به فراوانی با چیزهای خوب پاداش داده می‌شوند، زیرا خداوند آنها را آزمایش نموده و دانست که لایق این هستند تا در کنار او باشند. ۶ او آنها را مانند طلا در کوره آزمایش کرده و کاملاً مانند یک قربانی سوختنی ۱ می‌پذیرد. ۷ سپس، هنگامی که زمان داوری فرا می‌رسد، آنها در برابر شریران مانند جرقه‌های آتش در میان کاه خشک هستند که ایشان را به آتش کشیده و می‌سوزانند. ۸ خدا پرستان تمامی ملل را داوری خواهند کرد و بر مردم اقتدار خواهند داشت، و خداوند تا ابد بر آنها حکمرانی خواهد کرد. ۹ کسانی که به خداوند اعتماد دارند، حقیقت را خواهند شناخت. و آنهایی که به او وفادار هستند تا ابد در محبت او باقی خواهند ماند. لطف و رحمت متعلق به مقدسین اوست، و نگاه خداوند دائماً بر برگزیدگان خود است.

سرنوشت شریران

۱۰ آنهایی که خدا را انکار کرده‌اند هر آنچه را که تفکر شرورانه ایشان

۱ - یکی از قربانیهای مورد پسند خدا بود که کاملاً بر روی مذبح به خداوند تقدیم می‌شد.

سزاوار آن است دریافت می‌کنند. آنها افراد صالح را در نظر نگرفتند و در عوض، بر علیه خداوند قیام کردند. ۱۱ کسانی که به حکمت و تعلیم با دیده تحقیر نگاه می‌کنند عاقبت بدی خواهند داشت. امید آنها بی حاصل و بی معنی، سعی و تلاش آنها بی نتیجه و اعمال آنها فاقد ارزش خواهد بود. ۱۲ همسران آنها ابله و وظیفه نشناس، فرزندان ایشان گمراه، و تمام نسل آنها در زیر لعنت خواهند بود.

۱۳ خوشا به حال زنی که خودش را پاک نگاه داشته و در گناه با هیچ شخصی برای داشتن فرزند هم بستر نشده است، زیرا در آن دنیا و در روز داوری، ثمره نیکو خواهد داشت. ۱۴ حتی خواجه‌ای که شریعت را با دست خود نمی‌شکند و در سر خود به دنبال افکار شیطانی بر علیه خداوند نیست؛ به خاطر وفاداری خود، به او یک هدیه ویژه و گرانبها و همچنین یک جایگاه خاص در معبد خداوند پاداش داده خواهد شد. ۱۵ زیرا ثمره کار نیکو پُر از تمجید است و بینش نیکو ریشه‌ای است که هرگز پژمرده و فاسد نمی‌شود. ۱۶ با این حال، فرزندان زنا، هرگز به بزرگسالی نمی‌رسند. نسل افرادی که با دیگران رابطه نامشروع دارند، پراکنده شده و سامان نخواهند یافت. ۱۷ حتی اگر آنها تا سن پیری زندگی کنند، زندگی آنها هیچ ارزشی برای دیگران ندارد و هیچ کسی به آنها احترام نمی‌گذارد. ۱۸ و اگر آنها در دوران جوانی بمیرند، در روز قیامت هیچ امیدی برای آرامش و آسایش نخواهند داشت. ۱۹ نسل گمراهان و بدکاران، پایان بسیار بد و هولناکی دارد.

۴ ۱ بهتر است که فرزند نداشته باشید اما فضیلت داشته باشید. فضیلت چیزی است که به یاد خواهد آمد و این به معنای جاودانه بودن است. فضیلت هم توسط خدا و هم توسط انسانها به رسمیت شناخته شده است. ۲ وقتی انسان به فضیلت دسترسی پیدا می‌کند، از آن استفاده می‌کند. وقتی فضیلت از بین می‌رود، انسان افسوس خورده و آرزوی بازگشت آن را دارد. فضیلت در هر عصر و دورانی، بهترین دستاوردی است که یک شخص می‌تواند آنرا کسب کند و همیشه نیز چنین خواهد بود. و همواره همانند تاج بر سر شخص پیروز در مسابقه می‌درخشد.

۳ حتی اگر خدا ناباوران فرزندان زیادی داشته باشند، هیچ یک از آنها به جایی نخواهند رسید. ریشه این نهال‌های نامشروع هرگز عمیق نشده و از پایه‌های محکم برخوردار نخواهند شد. ۴ آنها ممکن است برای مدت زمان

کوتاهی مانند درختان دارای شاخه‌های جدید زیادی شوند، اما چون پایه مستحکم ندارند باد به راحتی آنها را تکان داده و ریشه آنها از زمین جدا خواهد شد. ۵ شاخه‌هایش حتی قبل از اینکه فرصتی برای جوانه زدن داشته باشد، شکسته می‌شود. میوه آنها بی فایده خواهد بود، هرگز رسیده نخواهد شد و از اینرو قابل خوردن نبوده و مناسب هیچ کار دیگری نیز نخواهد بود. ۶ کودکانی که از بستر نامشروع به دنیا آمده‌اند، هنگام فرا رسیدن روز داوری، به عنوان شاهد بر علیه رابطه نامشروع والدینشان شهادت خواهند داد.

۷ در مقابل، افراد پارسا و صالح، حتی در صورت مرگ زودرس نیز در آرامش ابدی قرار خواهند داشت. ۸ کسانی که پیر هستند فقط به دلیل گذشت زمان مورد احترام قرار نمی‌گیرند. سن پیری با شمارش سالهای زندگی فرد اندازه گیری نمی‌شود. ۹ بجای موی سپید، حکمت و عدالت نشانه بلوغ پیری برای احترام گذاشتن است. ۱۰ مردی بود که خدا را خشنود کرده و مورد محبت خدا قرار داشت و از زندگی در میان گناهکاران برگرفته و منتقل^۱ گردید. ۱۱ او از زمین ربوده شد تا شرارت، و فهم و دانش زمینی او را منحرف نساخته و نیرنگ و فریب سبب فاسد شدن روح او نشود. ۱۲ غبطه خوردن به آنچه بی فایده است، چشم مردم را نسبت به آنچه خوب است کور می‌کند، و گرداب طمع یک ذهن بی آرایش را تباه می‌کند. ۱۳ افراد صالح که درستکار هستند به سرعت به کمال می‌رسند و در یک مدت زمان کوتاه، از خود یک زندگی طولانی بجا می‌گذارند. ۱۴ آنها در مقابل شرارتهایی که ایشان را احاطه کرده است محافظت می‌شوند؛ زیرا کل هستی آنها مورد رضایت خداوند است. افرادی که در اطراف آنها هستند این چیزها را می‌بینند، اما قادر به درک آن نیستند. ۱۵ این حتی به ذهن آنها نمی‌رسد که لطف و رحمت بر دوش برگزیدگان خداوند است و خدا مراقب مقدسین خود است.

عاقبت شیران

۱۶ حتی مردگانی که عادل و پارسا بوده‌اند، خدا ناباورانی را که هنوز زنده هستند محکوم می‌کنند، و جوانی که به سرعت به کمال می‌رسد، پیری

۱ - احتمالاً منظور نویسنده شخص خنوخ است چون فعل بکار رفته در اینجا با فعل بکار رفته در پیدایش ۵: ۲۴ همخوانی دارد.

طولانی مدت افراد ناصالح را محکوم می‌کند. ۱۷ مردم مرگ شخص حکیم را خواهند دید، اما آنها نه اهداف خداوند را برای آنها درک می‌کنند، و نه اینکه چرا خداوند تا این حد از آنها حفاظت کرده است. ۱۸ در عوض، آنها به آنچه می‌بینند می‌خندند. اما در پایان، این خداوند است که آخرین خنده را بر آنها خواهد زد. ۱۹ عاقبت آنها بهتر از اجساد قطعه قطعه نخواهد شد، و تا ابد در میان مردگان مورد اهانت و تحقیر خواهند بود. خداوند آنها را خرد کرده و خاموش و بی صدا بر زمین رها خواهد کرد. او آنها را از بنیاد و ریشه تکان داده و به لرزه در خواهد آورد. آنها در عذاب ابدی از بین خواهند رفت و هیچ یادی از آنها باقی نخواهد ماند. ۲۰ آنها هنگامی که گناهانشان مورد بازخواست قرار گیرد، از ترس و وحشت در خود فرو خواهند رفت. اعمال بد و نادرست آنها علیه ایشان شهادت داده و آنها را محکوم می‌کند.

داوری نهایی

۵ آ ۱ آنگاه شخص صالح و پارسا، با ایمان کامل در برابر کسانی که موجب رنج و سبب تحقیر اعمال او شده‌اند، خواهد ایستاد. ۲ آنها در هنگام دیدن او از ترس بسیار بر خود می‌لرزند. آنها از اینکه او به طور غیر منتظره‌ای علیرغم تمام دسیسه‌های ایشان، باز هم نجات یافته است، متحیر خواهند شد. ۳ آنها با ناله و با صدای محزون در بین خودشان می‌گویند: ۴ او همان کسی نیست که مورد تمسخر و اسباب خنده ما بود؟! او همان کسی نیست که ما به او توهین و اهانت می‌کردیم؟ چقدر نادان بودیم! ما فکر می‌کردیم زندگی او دیوانگی محض است و مرگ و عاقبت او را ننگین می‌دانستیم. ۵ چطور او اکنون در بین فرزندان خدا قرار گرفته است؟ و چطور شده که او اکنون یکی از مقدسین محسوب می‌شود؟

۶ واضح است که ما کسانی بودیم که در راه راستی و حقیقت قدم برنداشتیم. نوری که نشان دهنده راه درست است بر ما نتابیده و خورشید عدالت بر ما طلوع نکرده است. ۷ ما زندگی خود را در گمراهی و نابودی سپری کردیم، و در بیابانهای بدون راه و نشان سرگردان شده و از راه و طریق خداوند غافل شدیم. ۸ غرور و تکبر ما چه فایده‌ای برای ما داشته است؟ و دارایی و ثروت ما چه ثمری برای ما به ارمغان آورده است؟ ۹ همه این چیزها مانند یک سایه زودگذر محو و مانند یک خبر کوتاه از روزگار پاک شدند. ۱۰ آنها مانند کشتی در حال عبور از دریای طوفانی هستند؛ که وقتی از موج گذشتند،

هیچ اثری از رد آن باقی نمی‌ماند. حتی دماغه آن هیچ علامت ماندگاری بر روی موج‌ها باقی نمی‌گذارد. ۱۱ همه اینها مثل پرنده‌ای هستند که در هوا پرواز می‌کند و هیچ اثری از مسیر خود باقی نمی‌گذارد؛ بال‌های خود را به سبکی در هوای می‌کوبد، با شتاب شیرجه می‌زند، با حرکت بال‌های خود مسیرش را تغییر داده و طی می‌کند، اما پس از آن هیچ نشانه‌ای از بودن این پرنده در آنجا پیدا نمی‌شود. ۱۲ همه آنها مانند مسیر تیری که بسوی هدف رها شده باشد ناپدید شده‌اند؛ هوا در هنگام عبور تیر باز می‌شود اما فوراً دوباره به جای خود باز می‌گردد و هیچ کس نمی‌تواند اثری از مسیر تیر را ببیند.

۱۳ ما نیز به دنیا آمديم، و تقریباً بلافاصله پس از آن با مرگ روبرو می‌شویم. و اثری از فضیلت خود برای نشان دادن باقی نگذاشتیم، اما در آتش شرارت خود سوخته و متلاشی شدیم. ۱۴ امید شخص بی ایمان، مانند پر کاهی است که در باد ناپدید می‌شود، مانند لایه نازک برفی است که توسط طوفان به هر سو پراکنده می‌شود، مانند دودی که در مقابل باد از بین می‌رود، و بسان خاطره مهمانی است که فقط یک روز بیشتر نمانده و سپس رفته است.

پاداش شخص صالح

۱۵ در مقابل، اشخاص صالح تا ابد زندگی می‌کنند. پاداش آنها از جانب خداوند می‌آید. خداوند تعالی از آنها مراقبت و محافظت می‌کند. ۱۶ به همین دلیل، آنها یک دیهیم شکوهمند و یک تاج سلطنتی درخشان را از خود خداوند دریافت می‌کنند. خداوند با دست راست خود آنها را پناه داده و با بازوی راست خود از آنها محافظت می‌کند. ۱۷ خداوند غیرت خود را همانند یک سلاح قدرتمند بر خواهد گرفت. او آفرینش را برای نبرد با دشمنان خود مسلح خواهد کرد. ۱۸ او عدالت را همچون یک زره بر تن کرده و داوری راستین را مانند کلاهخود بر سر خواهد گذاشت. ۱۹ او قدوسیت را به عنوان سپری در دست می‌گیرد که هرگز نمی‌توان آن را شکست داد. ۲۰ او خشم شدید خود را به یک شمشیر بُرنده تبدیل می‌کند. جهان هستی به او خواهد پیوست تا دشمنان نادان و بی‌خرد او را شکست دهند.

۲۱ صاعقه‌ها و آذرخش‌ها با دقت و بر اساس هدف تعیین شده به جهش در می‌آیند؛ و همانند تیری که از یک کمان خمیده پرتاب شود از میان ابرها

به بیرون پرتاب خواهند شد و هر بار هدف خود را مورد اصابت قرار خواهند داد. ۲۲ رگبار تگرگ بر روی آنها چنان فرو خواهد بارید که گویی از منجنیقی^۱ شلیک شده که هرگز از پرتاب باز نمی‌ایستد. آبهای دریا بر علیه آنها با خشم به خروش خواهد آمد، و آب رودخانه‌ها بالا آمده و بی رحمانه آنها را در خود غرق خواهند کرد. ۲۳ باد قدرتمندی بر علیه آنها خواهد وزید و مانند گردبادی، آنها را پراکنده خواهد ساخت. ظلم و ستم از سراسر زمین برچیده شده و شرارت از تاج و تخت قدرتمندان به زیر انداخته خواهد شد.

حکمرانان به دنبال حکمت

۶ ۱ پس شما ای پادشاهان گوش فرا داده و بیاموزید. ای شما که در گوشه و کنار زمین قضاوت می‌کنید، تعلیم بگیرید. ۲ شما که بر قشرهای مختلف اقتدار دارید، و به داشتن قدرت بر فراز ملل افتخار می‌کنید، خوب توجه کنید. ۳ خداوند به شما اقتدار داده تا حکومت کنید. خدای متعال قدرت خود را به شما داده است. او با دقت کارهای شما را مورد بررسی قرار داده و در مورد برنامه‌های شما بازخواست خواهد کرد. ۴ شما صرفاً مباحث پادشاهی او هستید. اگر درست قضاوت نکنید، اگر قانون را رعایت نکنید و یا اگر مطابق خواست خدا عمل نکنید، ۵ سپس او به ناگهان و بسیار وحشتناک بر روی شما فروود خواهد آمد. داوری خدا در مورد کسانی که در قدرت و مقام هستند بسیار سخت‌تر خواهد بود. ۶ کسانی که در جایگاه مهمی نیستند ممکن است مورد شفقت قرار گرفته و عفو شوند، اما افراد قدرتمند به شدت مورد داوری و مواخذه قرار می‌گیرند. ۷ زیرا شاه شاهان، خدای همگان است و در مقابل هیچ کسی عقب نشینی نمی‌کند. او به کسی که دیگران آنها را بزرگ می‌دانند توجه خاصی نشان نمی‌دهد. شاه شاهان، هم کوچک و هم بزرگ را آفرید و به همه آنها به یک شکل نگاه می‌کند. ۸ اما یک بازخواست بسیار سخت در انتظار قدرتمندان خواهد بود.

۹ ای حکمرانان روی سخن من با شماست تا حکمت را فرا گرفته و از گمراهی دوری کنید. ۱۰ کسانی که با امور مقدس با تقدس رفتار می‌کنند،

۱ - ابزاری که در جنگهای قدیم برای پرتاب کردن سنگ یا گلوله‌های آتش مورد استفاده قرار می‌گرفت.

خودشان نیز مقدس شمرده می‌شوند. و کسانی که امور مقدس را یاد گرفته‌اند، می‌توانند در روز دآوری از اعمال خود دفاع کنند. ۱۱ بنابراین با تمام وجود خود، مشتاق سخنان من باشید. خود را به آنها متعهد کنید، و تعلیم خواهید یافت.

توصیف حکمت

۱۲ حکمت درخشنده و غیر قابل محو شدن است و به آسانی در برابر کسانی که او را دوست دارند ظاهر می‌شود. کسانی که جوینده او هستند او را خواهند یافت. ۱۳ او نسبت به کسانی که از صمیم قلب مشتاق او هستند پیشقدم شده و خود را به آنها آشکار می‌کند. ۱۴ کسی که قبل از طلوع آفتاب از خواب بیدار شود و به دنبال او بگردد، او را که از قبل در جلوی در نشسته، خواهد یافت. ۱۵ حکمت را در افکار خود جا دادن، راهی است که درک و شناخت شما را به تکامل می‌رساند. کسی که مراقب است تا او را از دست ندهد، بزودی عاری از نگرانی خواهد شد.

۱۶ او خودش در جستجوی کسانی است که شایسته و لایق او هستند. او در مسیر ایشان، با کمال مهربانی به سمت آنها می‌آید و در هر یک از اندیشه‌های ایشان، در کنار آنها می‌ایستد. ۱۷ آغاز واقعی حکمت، آرزوی تعلیم یافتن از آن با تمامی قلب است. ۱۸ اساس تعلیم از محبت اوست، و محبت نسبت به او، همانا نگاه داشتن احکام اوست. و توجه به احکام او، اطمینان از زندگی ابدی است. ۱۹ و زندگی ابدی، شخص را به خدا نزدیک می‌کند. ۲۰ از اینرو اشتیاق به حکمت، منجر به حضور در پادشاهی خداوند می‌شود. ۲۱ ای پادشاهان مردم، اگر از تخت سلطنت و عصای پادشاهی لذت می‌برید، پس به حکمت احترام بگذارید تا بتوانید تا ابد سلطنت کنید.

موجودیت حکمت

۲۲ من به شما می‌گویم حکمت چیست و چگونه او به وجود آمد. من این اسرار را از شما پنهان نمی‌کنم. بلکه از ابتدای خلقت، مسیر او را ردیابی و دنبال خواهم کرد، و شناخت از او را در زیر نور کاملاً روشن و واضح خواهم ساخت، و حتی ذره‌ای از حقیقت دور نخواهم شد. ۲۳ من هرگز با حسادت همراه نخواهم شد، زیرا حسادت هیچ وجه مشترکی با حکمت ندارد. ۲۴ کثرت حکیمان سبب نجات جهان است، و یک حاکم معقول سبب ثبات ملت خود می‌شود. ۲۵ بنابراین از سخنان من تعلیم گرفته و از مزایای آن

بهره مند شوید.

فانی بودن سلیمان

۱ من نیز مثل سایر انسانها، فانی هستم. من از نسل اولین شخصی هستم که پا به جهان گذاشت و از خاک بوجود آمده‌ام. بدن من نیز در مدت زمانی که در رحم مادرم بودم شکل گرفته است. ۲ من از نطفه یک مرد و بر اساس لذت هم بستر شدن بوجود آمدم، و در طول ده ماه^۱ از خون او شکل گرفتم. ۳ وقتی متولد شدم، از همان هوایی تنفس کردم که همه تنفس می‌کنند؛ و بر روی همان زمینی افتادم که همه مردم بر آن قرار دارند. من اولین گریه‌ام دقیقاً مثل صدای تمام کسانی بود که نیاز به کمک و همراهی دارند. درست مثل الباقی مردم، اولین صدای من نیز فریاد همراه با گریه بود. ۴ من از لباس‌های بامزه و از تغذیه خوب بهره‌مند می‌شدم. ۵ من در قنடاق پیچیده شدم و از من مراقبت شد. ۵ زندگی هیچ پادشاهی به شکل دیگری آغاز نشده است. ۶ برای همه ما، تنها یک راه برای ورود به زندگی و یک راه نیز برای خروج از آن وجود دارد.

۷ به همین دلیل من دعا کردم و توانایی استدلال حکیمانه به من داده شد. من از خدا درخواست کردم، و روح حکمت بر من قرار گرفت. ۸ من حکمت را بر تخت و عصای پادشاهی ترجیح دادم؛ و در مقایسه با حکمت، ثروت را به هیچ شمردم. ۹ او برای من حتی از گرانبهاترین جواهرات نیز با ارزشتر است، زیرا تمام طلاهای جهان در مقابل او، چیزی به غیر از شن نیست؛ و تمام نقره‌ها در حضور او، درست مثل خاک رُس خواهد بود. ۱۰ من او را بیش از سلامتی و زیبایی دوست داشتم. من او را در جایگاهی بالاتر از نور قرار دادم، زیرا تابش او هرگز از بین نمی‌رود.

۱۱ همه چیزهای خوب به همراه او به دست می‌آید، و در دستان او ثروت بی شماری نهفته است. ۱۲ من از این همه ثروت خشنود شدم، زیرا همه آنها را حکمت به همراه آورده است. اما با این وجود، باز هم نمی‌دانستم که او مادر آنهاست. ۱۳ من آنها بدون هیچ حيله و فریبی آموختم و بدون غبطه خوردن، آنها را به دیگران انتقال می‌دهم؛ و توانگری و ارزش او را از کسی

۱ - در زمان یونان باستان، دوران بارداری ده ماه محسوب می‌شد زیرا شروع ماه دهم را نیز به حساب می‌آوردند.

پنهان نمی‌کنم. ۱۴ حکمت یک گنج بی پایان برای انسان است. کسانی که او را در اختیار دارند، دوستی با خدا را کسب می‌کنند؛ و این هدیه‌ای است که از تعلیم او نصیب می‌شود.

مزیت همه جانبه حکمت

۱۵ باشد که خداوند به من عنایت کند تا با درایت صحبت کرده و افکار شایسته‌ای بر اساس آنچه که آموختم داشته باشم. زیرا او خود حکمت و اصلاح کننده حکیمان است. ۱۶ زیرا هم ما و هم سخنان ما و همچنین همه ادراک و مهارت ما در دست اوست. ۱۷ او به من دانش دقیقی درباره همه چیز از جمله نحوه ساختار جهان و نیروهای موجود در عناصر اساسی جهان داده است. ۱۸ او به من دانش لازم را برای آگاهی از آغاز، پایان و واسطه زمان؛ نقاط تحول دوران و تغییرات فصل‌ها، ۱۹ گردش سال و موقعیت ستارگان؛ ۲۰ طبیعت حیوانات، خلق و خوی جانوران، قدرتهای خارق‌العاده ارواح، افکار انسانها، انواع مختلف گیاهان و قدرت شفافبخش ریشه‌ها داده است. ۲۱ من اکنون همه چیز را می‌دانم، هر آنچه که قابل مشاهده و پنهان است؛ ۲۲ زیرا سبب همه این چیزها اوست که به من حکمت آموخته است. روح حکمت سرشار است از، بصیرت، تقدس، بی نظیری، تنوع، پاکی، سرعت عمل، شفافیت، مقاومت، برندگی، منفعت، خشنودی از کارهای نیکو، ۲۳ غیر قابل توقف، پُر از مهربانی، یاور انسانها، استوار، ایمنی، عدم اضطراب، قدرت جامع، و ناظر بر همه. روح حکمت، قابل نفوذ در هر روحیه پاک و خالص و دارای ذکاوت است. ۲۴ حکمت تحرک بیشتری نسبت به هر جنبه‌ای دارد؛ و باخاطر ذات پاک خود، همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ۲۵ زیرا او نفس قدرت خداست، و جلوه‌ای خالص از جلال خداوند متعال؛ بنابراین هیچ چیز ناپاکی نمی‌تواند در آن نفوذ کند. ۲۶ زیرا او بازتابی از نور ابدی، و یک آینه بدون لکه از عمل خدا، و تصویری کامل از نیکویی اوست. ۲۷ گرچه او تنهاست اما قادر به انجام همه چیز است، هرچند با وجود اینکه در خود فرو رفته و غیر قابل تغییر است، اما همه چیز را تجدید و نو می‌سازد. و نسل به نسل به روح مقدسین منتقل شده و آنها را به دوستان و پیامبران خدا تبدیل می‌کند. ۲۸ زیرا خداوند هیچ کسی را به اندازه کسی که با حکمت زندگی می‌کند دوست ندارد. ۲۹ او درخشان‌تر از خورشید است، و از صورتهای فلکی آسمان شگفت انگیزتر است. او حتی در

مقایسه با نور، از جایگاه برتری برخوردار است. ۳۰ زیرا شب جای روز را می‌گیرد، اما شر هرگز بر حکمت غلبه نمی‌کند.

اشتیاق سلیمان به حکمت

۸ حکمت از یک سوی جهان به سوی دیگر آن محکم ایستاده است، و به خیریت بر هر آنچه که در میان جهان است حکومت می‌کند.

۲ از دوران جوانی، آنرا دوست داشته و به دنبالش بودم. به دنبال او بودم تا عروس زندگی من شود. من شیفته زیبایی او شده‌ام. ۳ او اصالت هستی خود را در زندگی با خدا جلال می‌بخشد، و خداوند خدای همگان نیز او را دوست دارد. ۴ او از خدا شناخت داشته و راههای او را می‌داند، و خدا ترسیم کننده کارهای اوست. ۵ اگر کسی با تمام قلب خود آرزومند ثروت است، چه چیزی می‌تواند غنی‌تر از حکمت باشد، که توانا بر همه چیز است؟ ۶ و چنانچه از درک و ذکاوت بالا برخوردار است، پس چه کسی می‌تواند بهتر از او برنامه ریزی کند؟ ۷ و اگر کسی عدالت را دوست دارد، تلاشهای او فضیلت است. زیرا او خویش‌تنداری، تدبیر، عدالت و شجاعت را تعلیم می‌دهد؛ و هیچ چیز در زندگی سودمندتر از اینها نیست. ۸ و اگر کسی تمایل به یک تجربه وسیع دارد، او وقایع گذشته را می‌داند و رویدادهای آینده را استنباط می‌کند، و تفسیر کلام و امثال و راه حل معماها را می‌داند. او از آیات و معجزات آگاهی داشته و بر گردش فصول و زمانها احاطه دارد.

۹ بنابراین تصمیم گرفتم که او را برای زندگی با خود انتخاب کنم، با آگاهی از این امر که او مشاور خوبی در راستای خیریت من خواهد بود؛ و در زمان اندوه و نگرانی، او قوت قلب من است. ۱۰ به خاطر او در میان مردم، شوکت داشته و سرافراز خواهم بود؛ و گرچه جوان هستم اما بزرگان به من احترام گذاشته و مرا گرامی می‌دارند. ۱۱ مردم مرا در امر قضاوت بسیار آزموده می‌بینند، و در نگاه حاکمان مورد تحسین قرار می‌گیرم. ۱۲ وقتی صحبت خود را قطع می‌کنم آنها منتظر صحبت من خواهند بود، و هنگامی که صحبت می‌کنم آنها توجه می‌کنند؛ چنانچه صحبت من به درازا بکشد آنها دست خود را بر دهانشان^۱ می‌گذارند. ۱۳ به خاطر او، حیات

۱ - یا از تحجب و حیرت دست بر دهان خود می‌گذاشتند یا اینکه حرفی برای گفتن نداشتند.

ابدی خواهم داشت، و یادگاری جاودانه برای کسانی که بعد از من می‌آیند پشت سر می‌گذارم. ۱۴ من بر مردم حکومت خواهم کرد، و ملتها مطیع من خواهند بود. ۱۵ پادشاهان سفاک و خوفناک وقتی سخن مرا می‌شنوند دچار ترس و هراس می‌شوند؛ و مردم عادی خواهند دید که من یک پادشاه خوب و یک رزمنده شجاع هستم. ۱۶ وقتی وارد خانه خود می‌شوم، در کنار او به استراحت خواهم پرداخت، زیرا همنشینی با او ناگوار نیست، و زندگی با او نه تنها درد آور نیست بلکه بسیار شادی بخش و نشاط آور است.

آغاز دعای سلیمان

۱۷ وقتی این موارد را درونم مورد ارزیابی قرار دادم، و در قلبم به آنها تأمل کردم، دریافتم که در مشارکت با حکمت، جاودانگی وجود دارد. ۱۸ و در دوستی با او، لذت والا؛ و حاصل دستان او، ثروت بی پایان؛ و در معاشرت با او، فهم و ذکاوت نهفته؛ و شهرت نیز از طریق گفتگوی با او حاصل می‌شود؛ از اینرو به دنبال این بودم که او را برای خودم به دست آورم. ۱۹ من به عنوان یک کودک به طور طبیعی با استعداد و خوش ذوق بودم، و روحی نیکو نصیب من شده بود. ۲۰ یا بهتر بگویم چون روح نیکویی داشتم، صاحب بدن بی آلاشی شدم.

۲۱ اما متوجه شدم که قادر به کسب حکمت نیستم مگر اینکه خداوند او را به من عطا کند؛ هرچند آگاهی از این نکته، که این هدیه از کیست، خودش نیز نشانه‌ای از بینش بود. بنابراین رو به خداوند آورده و از او تقاضا کردم، و با تمام وجود و از صمیم قلب گفتم:

دعای سلیمان برای حکمت

۹ ۱ ای خداوند نیاکان ما و ای پروردگار پُر از رحمت، که همه چیز را با قوت کلام خود آفریدی. ۲ تو انسان را بر اساس حکمت خود خلق کردی تا بتواند بر موجوداتی که آفریده‌ای حکومت کند، ۳ به گونه‌ای که با تقدس و عدالت بر جهان حاکم باشند و در روح و راستی، داوری و قضاوت کنند. ۴ به من حکمت بده، که در کنار تو بر تخت بنشینم؛ و مرا از میان خادمین خود طرد نکن. ۵ زیرا من خدمتگزار تو و دختر یکی از کنیزان تو هستم. انسانی ضعیف با عمری محدود و کوتاه، و با درک کمی از قضاوت و قوانین؛ ۶ حتی کسی که در بین انسانها کامل است، اگر فاقد حکمتی باشد که از

تو سرچشمه می‌گیرد، چیزی به حساب نمی‌آید. ۷ تو مرا انتخاب کردی تا پادشاه قوم خود باشم، و پسران و دختران تو را داوری کنم. ۸ به من دستور دادی که بر کوه مقدس تو یک معبد بنا کنیم، و یک مذبح در شهری که خیمه سکونت تو در آن برقرار است؛ معبدی درست همانند خیمه مقدسی که طرح آنرا از ابتدا مهیا کرده بودی.

۹ با تو حکمت است، کسی که از همه اعمال و کارهای تو آگاه است؛ او از روز ازل و وقتی که جهان را خلق می‌کردی، با تو حضور داشت. او می‌داند که از نظر تو چه چیزی لذت بخش و خوشایند است؛ و برای پیروی از احکام و قوانین تو چه کاری باید انجام داد. ۱۰ او را از آسمانهای مقدس خود برای من بفرست، او را از عرش باشکوه خود بفرست، تا در اینجا به کمک من آمده و من یاد بگیرم که چه چیزی خوشایند توست. ۱۱ زیرا او همه چیز را می‌داند و می‌فهمد؛ و خردمندانه مرا در تمام کارهایی که انجام می‌دهم راهنمایی می‌کند؛ و با جلال و عظمت خود، از من محافظت می‌کند. ۱۲ آنگاه کارهای من قابل قبول واقع شده و سپس می‌توانم به درستی در مورد قوم تو، قضاوت و داوری کنم.

۱۳ چه کسی از اراده الهی با خبر است؟ یا چه کسی می‌تواند تشخیص دهد که خداوند چه می‌خواهد؟ ۱۴ زیرا استدلال موجود فانی بی ارزش و اهداف ما گمراه کننده و محکوم به فناست. ۱۵ جسمی که فساد پذیر است، سبب کاستی روح می‌شود؛ و این خیمه خاکی، ذهن متفکر را سنگین می‌کند. ۱۶ ما به سختی می‌توانیم در مورد چیزهایی که بر روی زمین رخ می‌دهد، برداشت و استدلال درست داشته باشیم؛ اگر ما فقط با تلاش زیاد موفق به شناخت هر آنچه می‌شویم که در مقابل ماست؛ پس چه کسی در میان ما قادر به بررسی و کشف چیزهای آسمانی خواهد بود؟ ۱۷ چه کسی قادر به شناخت اراده تو خواهد بود، مگر اینکه به او حکمت عطا کنی و روح مقدس خود را از آسمان بفرستی. ۱۸ و بدین ترتیب شناخت راههای تو برای مردم بر روی زمین میسر خواهد شد؛ و آنها خواهند فهمید که چه چیزی سبب خشنودی توست، و بدینسان بواسطه حکمت، نجات خواهند یافت.

هدف حکمت در گستره تاریخ

۱۱ هنگامی که نخستین پدر جهان به تنهایی آفریده شد، حکمت مراقب او بود؛ و او را از سقوط و عصیان رهایی داد. ۲ حکمت به او قوت داد

تا بر همه چیز تسلط یافته و حکومت کند.

۳ هنگامی که یک مرد ناصالح در خشم خود از حکمت چشم پوشی کرد، در خشم خود دست به قتل برادرش زده و هلاک شد. ۴ وقتی زمین بخاطر کار او دچار سیل و آب گرفتگی شد، این حکمت بود که دوباره آن را نجات داد؛ و مرد صالح را با یک تکه چوب در دریا هدایت کرد.

۵ همچنین هنگامی که ملل در توافق با هم دست به شرارت زده و دچار اغتشاش در زبان شدند، این حکمت بود که انسان صالح را تشخیص داده و او را در برابر خدا منزّه و پاک نگاه داشت، حتی به او قدرت داد تا در مقابل دلسوزی برای فرزندش بایستد.

۶ هنگامی که خدا شناسان در حال نابودی بودند؛ حکمت، مرد صالحی را از آتشی که بر پنج شهر فرو می‌ریخت نجات داد. ۷ شواهد شرارت آنها همچنان باقی است: دود آنجا را به یک بیابان بایر تبدیل کرد، درختان آنجا در زمان خود میوه نمی‌دهند. و ستونی از نمک هنوز به عنوان یادبودی از یک موجود بی ایمان در آنجا ایستاده است. ۸ آنها در عدم همراهی با حکمت، هر آنچه را که خوب و خیر بود تشخیص ندادند. با چنین کاری، آنها یک یادمان ماندگار از حماقت خود را برای زندگان باقی گذاشتند. تا نتوانند چیزهایی را که منجر به سقوط آنها شد، پنهان نمایند.

۹ حکمت پیروان خود را از رنج و مشکلات رهایی می‌دهد. ۱۰ هنگامی که شخص صالحی از خشم برادرش می‌گریخت، حکمت او را در مسیر راست و درست هدایت کرد. او ملکوت خدا را به وی نشان داد و معرفت شناخت چیزهای مقدس را به او داد و باعث شد تا در کارهایش به موفقیت دست پیدا کند و ثمره زحمات او را افزایش و رونق داد. ۱۱ هنگامی که برخی به دلیل حرص و آز، به دنبال تصاحب اموال شخص صالح بودند، حکمت در کنار او ایستاد و حتی او را ثروتمندتر کرد. ۱۲ او را در برابر دشمنانش محافظت کرد و او از کسانی که برای او کمین گذاشته بودند در امان نگه داشت. در یک نبرد دشوار، به او پیروزی بخشید، تا بداند که پارسایی از هر چیزی قدرتمندتر است.

۱۳ هنگامی که مرد صالحی، به بردگی فروخته شد، او را نه تنها رها نکرد بلکه از گناه نیز محفوظ نگه داشت. ۱۴ حکمت حتی با او به درون چاه فرو رفت و هنگامی که در غل و زنجیر بود او را رها نکرد. در پایان، او عصای سلطنتی و اقتدار پادشاهی را بر کسانی که بر او حکمرانی می‌کردند، به

دست آورد. حکمت نشان داد کسانی که او را متهم کرده‌اند دروغگو هستند، و جلال و شکوه ابدی به او بخشید.

۱۵ حکمت، یک قوم مقدس و نژاد بی آلايش را از چنگ قومی ستمگر نجات داد. ۱۶ او وارد روح مردی شد که به خداوند خدمت می‌کرد؛ و به وی این امکان را داد تا با عجایب و معجزات در مقابل پادشاهان وحشت آور بایستد. ۱۷ او مقدسان را برای زحمات خود پاداش داد و آنها را در مسیری شگفت انگیز هدایت کرد. حکمت در هنگام روز برای ایشان به پناهگاهی تبدیل شده و شب هنگام به ستونی از نور ستارگان تبدیل می‌شد. ۱۸ او آنها را از دریای سرخ عبور داد، و آنها را در میان آبهای عمیق رهبری کرد. ۱۹ در حالیکه دشمنان ایشان را غرق و اجساد آنها را از اعماق دریا به بیرون پرتاب کرد. ۲۰ بدینسان صالحان، خدا شناسان را خلع سلاح کرده و در نام مقدس خداوند سرود خواندند، و یک دل و یک صدا، دست یاری و اعانت خداوند را ستودند. ۲۱ حکمت، دهان کسانی را که نمی‌توانند صحبت کنند، باز می‌کند و سبب می‌شود تا کودکان به وضوح و به روشنی صحبت کنند.

نیل و آب از صخره

۱ حکمت باعث می‌شود تا امور زندگی آنها به دست یک نبی مقدس به نتیجه و موفقیت برسد. ۲ آنها در بیابانی که هیچ کس در آن زندگی نمی‌کرد سرگردان بودند؛ و چادرهای خود را در مکانهای متروک برپا می‌کردند. ۳ آنها در برابر دشمنان خود مقاومت کرده و از خودشان در مقابل آنها دفاع کردند. ۴ هنگام تشنگی به نزد تو فریاد بر آوردند، و تو از سنگ صخره آب جاری کرده و سنگ سخت مرهمی برای رفع تشنگی ایشان شد. ۵ بدینسان همان چیزهایی که برای مجازات دشمنان آنها استفاده می‌شد، سبب خیریت و برکت آنها شد. ۶ از اینرو دشمنان آنها به جای منبع آب شیرین، نهری آلوده به خون و گل یافتند. ۷ این داوری بر کسانی بود که فرزندان تو را کشتند. اما تو به طور غیر منتظره به آنها آب فراوان دادی و با احساس تشنگی که در بیابان داشتند، تو به آنها نشان دادی که چگونه دشمنان ایشان را مجازات کردی.

۹ هنگامی که قوم تو تحت آزمایش قرار گرفتند، تو آنها را از سر رحمت خود، مورد تادیب قرار دادی؛ اما آنها فهمیدند که خدا شناسان وقتی مورد داوری تو قرار می‌گیرند با چه شدتی دچار عذاب می‌شوند. ۱۰ تو قوم خود

را به همان روشی که والدین به فرزندانشان هشدار می‌دهند، مورد تادیب قرار دادی، اما خدا شناسان را مثل یک حاکم سختگیر که محکوم می‌کند، مجازات نمودی. ۱۱ خواه آنها از قوم تو دور و یا به آن نزدیک باشند، یکسان مورد مجازات قرار گرفتند. ۱۲ آنها هم به خاطر مجازاتشان و هم به یاد کارهایی که انجام داده بودند، ناله و فغان می‌کردند. ۱۳ زیرا وقتی شنیدند که مجازات آنها برای قوم تو ثمر بخش و سبب برکت بوده است، درک کردند که این کار خداوند است. ۱۴ گرچه آنها مردی را که در زمان کودکی بی پناه در آب رها شده بود مورد تمسخر قرار داده و رد کرده بودند اما در انتهای وقایع، وقتی عطش تشنگی را به طریقی متفاوت از صالحین احساس کردند، نسبت به او دچار حیرت و شگفتی شدند.

مجازات شریران

۱۵ به دنبال افکار احمقانه و شرورانه آنها که سبب گمراهی ایشان شد تا خزندگان بی فکر و حیوانات بی ارزش را پرستش کنند، تو نیز انبوهی از موجودات و خزندگان نامعقول و بی ارزش را به عنوان مجازات بر آنها نازل کردی. ۱۶ بدین طریق، آنها دریافتند که مردم به همان شکلی که گناه می‌کنند مجازات می‌شوند. ۱۷ دست قدرتمند تو، که جهان را از ماده‌ای بی شکل خلق کرد، بطور حتم می‌توانست یک گروه خرس و شیرهای درنده و آتشین را علیه آنها بفرستد. ۱۸ یا می‌توانستی آنها را در مقابل جانوران ناشناخته تازه خلق شده‌ای قرار دهی که تا به حال کسی ندیده باشد؛ جانورانی خشم آلود، با نفس آتشین، و دهان پُر از دود و با چشمانی که از آن جرقه‌های مرگبار پرتاب می‌شود. ۱۹ نه تنها این جانوران قادر به نابودی آنها بودند بلکه فقط دیدن هیبت وحشتناک آنها برای هلاک کردن ایشان کافی بود. ۲۰ یا بدون استفاده از هیچ کدام از اینها، دشمنان تو می‌توانستند فقط با یک نفس که از عدالت تو سرچشمه می‌گیرد فرو بریزند و یا با یک نفس قدرتمند تو، کاملاً پراکنده شوند. اما تو همه چیز را به شکلی مناسب و بر اساس اندازه و تعداد و وزن برنامه ریزی کردی.

قدرت و رحمت خدا

۲۱ در واقع تو همیشه با قدرت خود به انجام هر کاری توانا هستی؛ و چه کسی می‌تواند در مقابل قوت بازوی تو مقاومت کند؟ ۲۲ در نظر تو، تمام

دنیا چیزی جز غبار بر کفه ترازو نیست،^۱ یا قطره شبی که در شب به زمین می‌افتد. ۲۳ اما رحمت تو شامل حال همه می‌شود، زیرا قادر به انجام هر کاری هستی؛ و گناهان انسان را نادیده می‌گیری، تا آنها فرصت داشته و توبه کنند. ۲۴ تو هر آنچه را که وجود دارد، دوست داری؛ و از هیچکدام از چیزهایی که آفریدی روگردان و دلزده نیستی، زیرا اگر چنین بود هرگز آنرا خلق نمی‌کردی. ۲۵ اگر تو خواهی، چطور چیزی می‌تواند بقا داشته باشد؟ یا اگر تو آنرا به هستی فراخوانی، چگونه می‌تواند باقی بماند؟ ۲۶ ای حاکم و دوستدار زندگی، تو به همه چیز اجازه حیات می‌دهی، زیرا همه چیز متعلق به توست.

۱۱ ۲ روح فنا ناپذیر تو در همه چیز حضور دارد. ۲ بنابراین تو کم کم آنانی را که گمراه شده‌اند اصلاح می‌کنی؛ و چیزهایی را که از طریق آنها گناه می‌کنند، به ایشان یادآوری کرده و هشدار می‌دهی؛ تا آنها از شرارت رهایی یافته و اعتماد و ایمان خود را بر تو قرار دهند.

گناه کنعانیان

۳ تو به دلیل اعمال شریرانه از کسانی که روزگاری در سرزمین مقدست زندگی می‌کردند کراهت داشتی. ۴ آنها دست به اعمال نفرت انگیز و جادوگری و مراسم کفر آمیز می‌زدند. ۵ آنها فرزندان خود را بدون ترحم به قتل می‌رسانند! و در آیین‌های ناپاک و مخفی شرکت کرده، و در جشن و ضیافت از گوشت و خون انسانهای قربانی شده می‌خوردند. ۶ تو قصد داشتی که از اجداد ما برای از بین بردن والدینی که موجودات درمانده و بی دفاع را می‌کشند، استفاده کنی. ۷ تو چنین کردی تا سرزمینی که بیشتر از همه چیز برایت عزیز و گرانبها بود را به گونه‌ای بسازی که فرزندان خدا سزاوار آن باشند.

۸ اما حتی در این مورد نیز نسبت به دشمنان خود رحم کردی، زیرا آنها فقط انسان بودند؛ از اینرو زنبورهای سرخی را پیشاپیش سپاه خود فرستادی تا به تدریج آنها را نابود کنند. ۹ البته اینطور نبود که نتوانی خدا شناسان را در جنگ به دست صالحان نابود کنی، یا اینکه از بین بردن آنها با یک

۱ - همانند غبار کفه ترازو که تاثیر چندان در میزان آن ندارد.

ضربه توسط حیوانات وحشی هولناک یا بوسيله کلام قدرتمند تو، غير ممکن بوده است. ۱۰ اما تو با قضاوت کم و بيش خود، به آنها فرصت دادی تا توبه کنند، هرچند از اين امر غافل نبودی که سرشت آنها از تباهی و گرایش آنها به شر است، و طرز تفکر آنها هرگز تغيير نخواهد کرد. ۱۱ زیرا آنها از ابتدا یک نسل ملعون و نفرين شده بودند، و از ترس کسی نیست که تو گناهان ایشان را مورد مجازات قرار ندادی.

۱۲ خارج از همه اينها، چه کسی از تو بازخواست خواهد کرد؟ چه کسی با تصميم تو مخالفت خواهد کرد؟ يا چه کسی می‌تواند تو را به خاطر نابودی اقوامی که خود آفریدی متهم کند؟ يا چه کسی به عنوان وکیل مدافع انسانهای ناصالح در مقابل تو خواهد ایستاد؟ ۱۳ هيچ خدایی غير از تو نیست، که از همه مردم مواظبت کند. به غير از تو کسی نیست که به آنها ثابت کند که داورى تو کاملاً راست و درست بوده است. ۱۴ هيچ پادشاه يا حاکمی وجود ندارد که بتواند تو را در مورد کسانی که مجازات کرده‌ای به چالش کشیده و با تو مقابله کند. ۱۵ تو عادل هستی و بر همه جهان هستی به درستی و با عدالت حکمروایی می‌کنی؛ و محکوم کردن کسی که سزاوار مجازات نیست، خارج از راستی و قدرت توست. ۱۶ زیرا قدرت تو منشأ راستی و عدالت است؛ و از آنجا که تو بر همه چیز حاکم هستی، با رحمت خود به همه نگاه می‌کنی. ۱۷ تو قدرت خود را به کسانی نشان می‌دهی که با تردید به توان قدرت تو نگاه می‌کنند؛ و کسانی را که از قدرت تو آگاه هستند اما جرات کرده و آنرا نادیده می‌گیرند، مورد مجازات قرار می‌دهی. ۱۸ هر چند در قدرت کاملاً حاکم هستی، اما با ملایمت داورى کرده و گرچه تو قادری در هر زمانی که خواست توست بر علیه ما اقدام کنی اما در عوض با بردباری و شکيبایی بر ما حکومت می‌کنی. ۱۹ با اعمال خود، به قوم خود آموختی که افراد صالح و پارسا باید با دیگران مهربان باشند، و تو دل فرزندان خود را سرشار از امید کردی، چنانچه به ایشان فرصت دادی تا از گناهان خود توبه کنند. ۲۰ آنها می‌دانستند تو به دشمنان ایشان فرصت می‌دهی تا خود را از شریر رهایی دهند، و آنها را با دیده عفو، به مجازات رسانده، و حتی زمانی که به وضوح مستحق مرگ بودند، به آنها اجازه می‌دهی تا فرصت توبه داشته باشند؛ ۲۱ اما قوم خود را به سختی مورد داورى قرار می‌دهی، هر چند که با اجداد ایشان عهد و پیمان بسته و رسماً وعده دادی که چیزهای عالی و نیکو به آنها خواهی داد. ۲۲ در حالی

که تو ما را تادیب و اصلاح می‌کنی، دشمنان ما را ده هزار برابر بیشتر تنبیه کرده و تازیانه می‌زنی؛ بدینسان هنگامی که داوری می‌کنیم، نیکویی تو را بیاد می‌آوریم؛ و هنگامی که مورد داوری قرار می‌گیریم، انتظار رحمت تو را خواهیم داشت.

۲۳ به همین دلیل تو کسانی را که در حماقت خود، زندگی شریرانه داشتند از همان طریق گناهان منجر کننده خود مورد عذاب قرار دادی. ۲۴ زیرا آنها در مسیر خطا کاملاً گمراه شدند، و منجر کننده‌ترین و منفورترین حیوانات را به عنوان خدایان خود پذیرفته و مانند کودکان بی‌خرد فریب خورده بودند. ۲۵ بدینسان داوری خود را چنان بر ایشان نازل کردی تا آنها را مورد تمسخر قرار دهی، چنانچه گویا کودکانی فاقد استدلال و تفکر هستند. ۲۶ اما کسانی که به مجازاتهای کوچک و هشدار دهنده توجه نمی‌کنند، سزاوار آن هستند که داوری کامل و عادلانه خدا را تجربه کنند. ۲۷ آنها زمانی که دچار رنج می‌شدند، خشمگین شده و فکر می‌کردند از طریق آن موجوداتی که آنها را خدایان خود در نظر می‌گرفتند مجازات می‌شوند؛ آنها به شدت ناامید شدند و تشخیص دادند که خدای واقعی همان شخصی است که همیشه از تصدیق او امتناع ورزیده‌اند؛ به همین دلیل آنها متحمل بیشترین محکومیت شدند.

الوهیت دادن به عناصر

۱۱۳ انسانهایی که خدا را نمی‌شناسند، در اساس در نادانی بسر می‌برند. علیرغم موارد خوبی که قابل مشاهده هستند، آنها به نوعی نتوانستند کسی را که واقعاً هست، بشناسند. گرچه آنها مجذوب خلقت او بودند، اما قادر به شناخت سازنده آنها نشدند. ۲ در عوض، آنها فکر می‌کردند که همه این چیزها از قبیل آتش و باد یا حرکت هوای زود گذر و یا صورت فلکی ستاره‌ها یا آب موج یا اجرام نورانی آسمان، خدایانی هستند که بر جهان حکومت می‌کنند.

۳ آنها چون از زیبایی این چیزها لذت می‌بردند، آنها را خدایان فرض کرده بودند، اما باید بدانند که سازنده آنها بسیار برتر است، زیرا خود او منشأ زیبایی همه این چیزهاست. ۴ اگر آنها از قدرت و توانایی این چیزها شگفت زده شده‌اند، پس باید درک کنند کسی که آنها را شکل داده است تا چه اندازه قدرتمندتر است. ۵ زیرا عظمت و زیبایی این خلقت، سبب ایجاد تفکر در

مورد خالق آنها می‌شود. ۶ اما این افراد صرفاً سزاوار اندکی سرزنش هستند، زیرا آنها گمراه شده‌اند در حالی که به دنبال خدا می‌گردند و مایل به یافتن او هستند.

۷ آنها زمان زیادی را صرف کاوش در آثار او می‌کنند؛ اما چیزهایی را که می‌بینند چنان زیباست که مجذوب ظاهر آنها می‌شوند. ۸ با این حال، این دلیلی برای بهانه آوردن نمی‌شود. ۹ زیرا آنها دانش کافی برای بررسی و شناخت جهان را داشتند، پس چگونه نتوانستند زودتر از اینها خالق این چیزها را پیدا کنند؟

۱۰ اما چه بدبخت هستند آنهایی که امید خود را بر روی چیزهای مرده گذاشته‌اند؛ کسانی که کار دست انسان را خدایان می‌نامند. اشیایی از طلا و نقره که با مهارت شکل داده شده‌اند، صورت پردازی حیوانات، یا حتی سنگ‌های بی ارزش باستانی که مدت‌ها قبل توسط افرادی حکاکی شده است.

۱۱ ممکن است یک هیزم شکن ماهر، درختی را قطع کند که به راحتی قابل شکل دادن است و با مهارت تمام پوست آنرا جدا و با هنرمندی خاص خود، آن را به ابزاری برای استفاده روزانه تبدیل کند. ۱۲ و از تراشه‌های باقی مانده آن برای سوزاندن و پختن غذا استفاده کند تا سیر شود. ۱۳ اما در میان آنها یک قطعه چوب کج و پر از گره است که برای هیچ کاری مفید نیست، او آنرا برداشته و در اوقات فراغت و با مهارت و کار آزمودگی شروع به کنده کاری بر روی آن می‌کند و در انتها آنرا به صورت یک انسان شکل می‌دهد. ۱۴ یا اینکه آنرا به یک حیوان یا یک موجود مبهم تبدیل می‌کند. سپس سطح آنرا رنگ قرمز خونین زده و تمام لکه‌های آنرا می‌پوشاند. ۱۵ سپس مکانی مناسب برای آن درست کرده^۱ و آنرا در دیوار نصب کرده و دور آنرا با حفاظ آهنی مستحکم می‌کند، ۱۶ تا از افتادن آن جلوگیری کند زیرا کاملاً می‌داند که نمی‌تواند برای خودش کاری انجام دهد. زیرا در نهایت این بیشتر از یک تصویر و یا یک مجسمه نیست و به کمک نیاز دارد.

۱۷ با این وجود، وقتی او در برابر آن، برای اموال، ازدواج و فرزندانش دست به دعا بر می‌دارد، از اینکه با این موجود بی جان صحبت می‌کند

۱ - در واقع مکانی مانند حرم و زیارتگاه درست کرده و آن موجود تراشیده از چوب یا سنگ را در آن قرار می‌دادند.

شرمنده نیست. ۱۸ برای درخواست سلامتی، او به چیزی متوسل می‌شود که ضعیف است. او برای زندگی خود در مقابل چیزی دعا می‌کند که مرده است. برای کمک، او در مقابل چیزی دست به دعا بر می‌دارد که کاملاً بی تجربه است؛ برای انجام یک سفر ایمن، او از کسی درخواست هدایت می‌کند که خودش نمی‌تواند حتی یک قدم بردارد. ۱۹ و برای کسب و کار و موفقیت در کارها از کسی یاری می‌خواهد که دستانش برای انجام هر کاری ناتوان است.

پرستش بُتها

۱۱۴ تصور کنید مردی در حال سفر با کشتی از طریق امواج خروشان دریاست. از اینرو در مقابل یک تکه چوب که شکننده‌تر از قایق اوست با صدای بلند تقاضای محافظت می‌خواهد. ۲ زیرا برای کسب منفعت بوده که ساخت این کشتی برنامه ریزی شده و صنعتگر خردمند و ماهری آنرا طراحی کرده است. ۳ اما ای پدر این حفاظت توست زیرا تو در دریا ناخدا و هدایت کننده آن هستی و در دریا برای آن راهی مهیا کرده و در امواج خروشان یک مسیر امن ایجاد نمودی. ۴ تو به ما نشان داده‌ای که می‌توانی ما را از هر چیزی نجات دهی، چنانچه حتی کسانی که مهارت ندارند می‌توانند به دریا بزنند. ۵ این خواست توست که اعمال حکمت تو مثمر ثمر باشد. بنابراین مردم به زندگی خود حتی بر یک تکه چوب کوچک اعتماد می‌کنند، و با یک قایق ساده از دریا عبور کرده و با خیال راحت به ساحل می‌رسند. ۶ زیرا حتی در آغاز، وقتی غول‌های متکبر^۱ از بین می‌رفتند، امید دنیا بر یک قایق قرار گرفت،^۲ و تو با دست خود آنرا هدایت کرده و به دنیا بذر نسل جدیدی را بخشیدی. ۷ زیرا چوبی که عدالت و پارسایی به ارمغان می‌آورد، نعمت و مبارک است.

۸ اما بت ساخته شده با دست، همانند سازنده آن ملعون و زیر لعنت است. سازنده آن بخاطر ساختنش، و خود آن نیز بخاطر اینکه از مواد فاسد شدنی ساخته شده و خدا نامیده می‌شود. ۹ زیرا خدا هم از شخص بی خدا و هم از بتهای ساخت دست آنها به یک اندازه کراهت دارد. ۱۰ چیزی که ساخته

۱ - منظور مردان تنومندی هستند که در پیدایش ۶: ۴ به آنها اشاره شده است.

۲ - اشاره به کشتی نوح است.

شده به همراه کسی که آن را ساخته است باهم مجازات می‌شوند. ۱۱ خداوند بر بتهای ملل مختلف نیز داوری خواهد کرد، زیرا آنها بخشی از آفرینش خدا را به چیزی شنیع و پلید تبدیل کرده‌اند که خداوند از آنها نیز کراهت دارد؛ زیرا سبب لغزش روح انسان و تله‌ای برای پای ابلهان است. ۱۲ زیرا ایده ساخت بت‌ها، آغاز زنا بود؛ و خلق آنها سبب فساد زندگی انسان شد. ۱۳ آنها از ابتدا وجود نداشتند، و تا ابد نیز ماندگار نخواهند بود. ۱۴ آنها بر اساس تصورات پوچ و متکبرانه انسان به جهان آمدند؛ از اینرو خیلی سریع به پایان خود نزدیک می‌شوند.

۱۵ پدری با غم و اندوه بر مرگ بی‌موقع فرزندش، مجسمه‌ای از او می‌سازد. و کسی که تا دیروز بیش از بدنی بی‌جان نبود، اکنون او آنرا به عنوان یک خدا مورد احترام قرار داده و آنرا به همراه برخی از رمز و رازها و مراسم خاص به وابستگان خود منتقل می‌کند. ۱۶ با گذشت زمان، این مراسم بت پرستی به سنت تبدیل و سرانجام، این سنت نیز تبدیل به قانون می‌شود و حاکمان به مردم دستور می‌دهند که این تمثال حک شده را عبادت کنند.

۱۷ وقتی مردم نتوانستند به شکل حضوری به حاکمان خود احترام بگذارند، زیرا در مکانی دورتر از آنها زندگی می‌کردند، در ذهن خود تصویری از صورت آنها تجسم کرده و از آن حاکمی که مورد احترام ایشان بود تمثالی^۳ ساختند. به طوری که با تلاش خود توانستند فرد غایب را چنانچه گویا حاضر است مورد چاپلوسی قرار دهند. ۱۸ سپس حس شهرت و جاه طلبی، صنعتگر را تحریک کرد، تا حتی کسانی که پادشاه را نمی‌شناختند به عبادت او ترغیب کند. ۱۹ از آن جهت که او تمایل داشت تا حاکم را خوشحال کند، از مهارت هنری خود نهایت استفاده را می‌کرد تا تصویری حتی زیباتر و کامل‌تر از اصل آن بسازد. ۲۰ و جمعیتی که به واسطه جذابیت این اثر جذب آن می‌شدند، او را که تا کمی قبل از آن به عنوان یک انسان محترم در نظر می‌گرفتند؛ حالا مورد عبادت خود قرار می‌دادند.

۲۱ زیرا مردم، خواه به دلیل بدبختی یا به دلیل دستور مقامات، نامی را که نباید به هیچ کس یا هیچ چیز دیگری داده شود به اشیاء سنگی یا چوبی اختصاص دادند.

۲۲ صرفاً گمراهی از شناخت خدا برای آنها کافی نبود که بخاطر جهل خود

وارد درگیری شریرانه و بزرگتری نیز می‌شوند؛ و نام چنین مصیبتی را آرامش می‌گذارند. ۲۳ آنها کودکان را در آیینهای مذهبی خود قربانی می‌کنند یا اسرار مخفی را جشن گرفته، و به برگزاری مراسم عیاشی با شیوه‌های غیر طبیعی می‌پردازند. ۲۴ آنها دیگر نه زندگی خود و نه ازدواج خود را در پاکی سپری نمی‌کنند، آنها با خیانت، دیگری را به قتل می‌رسانند، یا یکدیگر را در زنا با همسر دیگری انده‌گین می‌کنند. ۲۵ و همه چیز در آشوب و آشفتگی کامل است؛ شورش مداوم، خون و قتل، دزدی و فریب، فساد، بی‌ایمانی، ناسزا گویی، بطالت، ۲۶ سردرگمی در مورد خوب بودن، فراموشی نعمت‌ها، فروپاشی اخلاقی، انحراف جنسی، بی‌عفتی در ازدواج، زنا و هرزگی.

۲۷ پرستش بت‌های بی‌نام، منشأ و سرآغاز علت و نتیجه هر بدی است. ۲۸ زیرا پرستندگان آنها چنان دچار هیجان می‌شوند که دست به هزیان گویی می‌زنند؛ یا به دروغ نبوت و پیشگویی می‌کنند؛ و یا همانند بدکاران و شریران زندگی کرده، و یا به راحتی عهد خود را می‌شکنند. ۲۹ از آنجا که آنها اطمینان خود را بر بت‌های بی‌جان می‌گذارند، پس انتظار هیچ عقوبتی را برای سوگند دروغ خود ندارند. ۳۰ اما مجازاتی مضاعف در انتظار آنهاست: اول اینکه آنها با پرستش بت‌ها در مورد خدا اشتباه می‌کردند، و دوم، عدالت را با فریبکاری منحرف کرده و با بی‌احترامی به مقدسات، به ناحق قسم خورده‌اند. ۳۱ وقتی افراد ناصالح ظلم کرده و گناه می‌کنند، مجازات آنها نه بر اساس قدرت چیزهایی است که به آنها قسم می‌خورند، بلکه این عدالت است که آنها را به مجازات می‌رساند.

ثمره پرستش خدای حقیقی

۱۱۵ اما تو خداوند خدای ما، مهربان و حقیقی هستی، بسیار صبور و در رحمت خود بر همه چیز حکمرانی می‌کنی. ۲ زیرا حتی اگر گناه کنیم، باز هم متعلق به تو هستیم، ما از قدرت تو آگاه هستیم. اما ما گناه نخواهیم کرد، زیرا می‌دانیم که تو ما را متعلق به خود می‌دانی. ۳ شناخت تو، عدالت کامل و کمال زندگی است، و آگاهی از قدرت تو، ریشه جاودانگی است. ۴ هیچ یک از اهداف شیطان‌ها هنر بشر، ما را گمراه نکرده است؛ و حتی زحمت بی‌ثمر نقاشان، حتی اگر ترکیب رنگهایش متنوع و خیره کننده باشد.

۵ شکل ظاهری بتها، اشتیاق در ابلهان ایجاد می‌کند، به طوری که آنها مشتاق یک مجسمه بی جان و یک تصویر مرده می‌شوند. ۶ کسانی که آنها را می‌سازند، آنها را می‌خواهند، و آنها را پرستش می‌کنند، همه شیفته شر و شایسته چنین امیدهایی هستند.

۷ سفالگری با جدیت خاک نرم را خمیر می‌کند، و از آن اشیای متفاوتی برای استفاده ما می‌سازد. برخی از ظروف را برای مقاصد مقدس، و برخی دیگر را برای مصارف عادی می‌سازد؛ هر دو نوع ظرف از همان گل و به یک روش یکسان ساخته شده است. اما کاربردی که در هر کدام از آنها قرار داده شده است، بر عهده سازنده سفال است، او تعیین کننده است.

۸ چه زحمت بیهوده‌ای، از همان گل یک خدای دروغین درست می‌کنند؛ همان خاکی که مدت زمانی قبل، خود سفالگرها از آن بوجود آمده‌اند، و بعد از مدتی نیز به همان خاکی باز می‌گردند که همه از آن خلق شده‌اند. و در این هنگام، روحی که به آنها قرض داده شده بود باز پس گرفته می‌شود. ۹ اما سفالگران نگران این نیستند که موجودات فانی خواهند مُرد، یا اینکه زندگی آنها مختصر و کوتاه است، اما آنها با سازندگان طلا و نقره رقابت و از ریخته گران برنز تقلید می‌کنند؛ و افتخار آنها، شکل دادن به خدایان دروغین است.

۱۰ قلب آنها از خاکستر است. امید آنها بی‌فایده‌تر از خاک است. و زندگی آنها کم ارزشتر از گلی است که درست می‌کنند. ۱۱ زیرا آنها نتوانستند کسی که آنها را شکل داده و در آنها روحی فعال و نفسی حیات بخش نهاده است را به درستی بشناسند. ۱۲ آنها فکر می‌کنند زندگی فقط یک بازی است. و موجودیت ما فقط بازار مکاره‌ای برای کسب سود است. زیرا آنها می‌گویند باید به هر طریقی که شده پول بدست آورد، حتی اگر به قیمت انجام کار نادرست باشد. ۱۳ این افراد بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که گناه می‌کنند زیرا آنها از مواد خاکی، هم ظروف شکننده و هم مجسمه‌هایی از بُت می‌سازند.

۱۴ اما ابله‌تر و بینواتر از نوزادان، تمام دشمنانی هستند که به قوم تو ظلم کرده‌اند. ۱۵ زیرا آنها تصور می‌کنند که تمامی بت‌های سایر ملل نیز خدایان هستند، در حالیکه این بت‌ها نه چشمی برای دیدن، نه بینی برای نفس کشیدن، نه گوش برای شنیدن، نه انگشت برای لمس کردن و نه هیچ پایی برای راه رفتن دارند. ۱۶ زیرا آنها ساخته شده به دست انسان هستند، کسی که

روح خودش موقت است، آنها را شکل داده است. زیرا هیچ انسانی نمی‌تواند خدایانی را شکل دهد که مانند خود خدا باشند. ۱۷ انسان فانی هر آنچه را که با دست فاقد الوهیت خود می‌سازد، از همان ابتدا مُرده است. البته ارزش انسان بیشتر از اشیایی است که می‌پرستند، زیرا انسان حداقل زندگی می‌کند، اما بتها هرگز چنین نیستند.

۱۸ علاوه بر این، دشمنان قوم تو نفرت انگیزترین حیوانات را پرستش می‌کنند، چیزهایی که نسبت به سایر موجودات از هوش کمتری برخوردار هستند. ۱۹ حتی به عنوان حیوان نیز هیچ چیز جذاب و زیبایی در مورد آنها وجود ندارد. آنها هم از ستایش خدا و هم از برکات او محروم هستند.

مصر و اسرائیل

۱۱۶ بنابراین، دشمنان قوم تو شایسته چنین موجوداتی و مستحق عذاب کشیدن از هجوم آنها بودند. ۲ بر خلاف مجازات آنها، به قوم خود رحمت نشان داده و برای برآورده کردن اشتباهی آنها، خوراک لذیذی از بلرچین برای ایشان مهیا کردی. ۳ دشمنان قوم تو، علیرغم میل به غذا، به دلیل ناخوشایند بودن ظاهر موجوداتی که علیه آنها فرستاده بودی، اشتباهی خود را از دست داده و نتوانستند غذا بخورند. در حالی که قوم تو، پس از مددت کوتاهی گرسنگی، غذای تازه و لذیذ نصیبشان شد. ۴ زیرا لازم بود که این ستمگران ناخواسته به گرسنگی بی پایان دچار می‌شدند، تا قوم تو متوجه شوند که دشمنانشان در زمان قحطی و گرسنگی چگونه متحمل رنج و عذاب می‌شوند.

گزندگان و مار مفرغی

۵ حتی هنگامی که ترس و وحشت از خشم جانوران وحشی بر قوم تو نازل شد و ایشان بر اثر نیش مارهای سمی هلاک می‌شدند؛ باز هم غضب تو دوام چندانی نیافت. ۶ اما تمام این وقایع فقط هشدار بی‌ش بود و تنها اندک زمانی آنها را دچار مشکل ساخت، اما نمادی از نجات را دیدند تا یادآور این باشد که از قوانین شریعت تو در تورات پیروی کنند. ۷ زیرا کسی که به سمت آن علامت می‌رفت، نجات می‌یافت و نه توسط چیزی که دیده بود، بلکه توسط تو، که نجات دهنده همگان هستی. ۸ و با این کار تو به دشمنان ما نشان دادی که این تو هستی که از هر بدی و بلا رهایی می‌بخشی. ۹

دشمنان ما توسط نیش ملخ‌ها و مگس‌ها، جان خود را از دست دادند؛ و هیچ درمانی برای آنها وجود نداشت، زیر آنها سزاوار مجازات با چنین جانورانی بودند. ۱۰ اما حتی نیش مارهای سمی نتوانست بر فرزندان تو غلبه کند، زیرا رحمت تو، به یاری آنها آمد و آنها را شفا داد. ۱۱ آنها نیش زده شدند اما خیلی زود نجات یافتند تا سخنان تو را به خاطر بسپارند که اگر تو را کاملاً فراموش کنند، خود را از محبت تو محروم خواهند کرد. ۱۲ زیرا نه گیاهان دارویی و نه مرهم زخمها بود که آنها را درمان کرد، بلکه خداوند این سخنان توست، که همگان را شفا می‌دهد. ۱۳ زیرا تو بر زندگی و مرگ قدرت داری، و می‌توانی انسان فانی را تا دروازه سرزمین مردگان برده و باز گردانی. ۱۴ انسانها در شرارت خود می‌توانند دیگران را به قتل برسانند، اما نمی‌توانند زندگی را که از دست رفته دوباره برگردانند، یا روحی را که از او گرفته شده باز گردانند.

بلاها و نان آسمانی

۱۵ فرار از دست تو غیر ممکن است. ۱۶ خدا شناسان که از شناخت تو امتناع می‌کردند، توسط قدرت بازوی تو مورد ضربت قرار گرفتند، آنها با باران‌های سیل آسا، توفان تگرگ و کولاک بی امان، و در انتها با آتش کاملاً نابود شدند. ۱۷ از همه شگفت انگیزتر اینکه، آب که همه چیز را خاموش می‌کند، سبب شدت بیشتر آتش می‌شد. زیرا جهان از صالحان دفاع می‌کند. ۱۸ هر از چند گاهی شعله آتش مهار می‌شد، تا سبب نابودی جانورانی نشود که برای مجازات خدا شناسان نازل شده بود؛ تا کاملاً بدانند که این حکم خداست که در مورد آنها اجرا می‌شود. ۱۹ و حتی در زمانهایی پهنه آب با شدت بیشتری در آتش می‌سوخت، تا محصولات زراعی ستمگران نابود شود.

۲۰ در مقابل، به قوم خود غذای فرشتگان را دادی، و بدون اینکه متحمل زحمت شوند برای آنها نان آسمانی تدارک دیدی، که برای هر ذائقه‌ای لذت بخش و متناسب با هر سلیقه‌ای بود. ۲۱ این نان نشان داد که چقدر با محبت از فرزندان خود مراقبت می‌کنی؛ وقتی آنها از این نان می‌خوردند، طعم آن به چیزی تبدیل می‌شد که مورد دلخواه آنها بود! ۲۲ قوم تو می‌دانستند که محصولات دشمنانشان در اثر آتشی که از تگرگ بر می‌خاست و در میان بارانی که همچنان می‌سوخت، نابود شده است. ۲۳ در حالی که برای تغذیه

صالحان، آتش حتی خاصیت اصلی خود را از دست داده بود. ۲۴ آفرینش در تحت خدمت توست و تو سازنده آن هستی، و کل آفرینش از قدرت خود برای مجازات افراد ناصالح استفاده می‌کند، اما با آنهایی که به تو اعتماد و توکل دارند، ملایم و مهربان است.

۲۵ آفرینش گونه‌ها و روشهای متنوعی را در خود نهفته دارد تا سخاوتمندانه در تحقق خواست و روزی آنهایی که نیازمند هستند، وارد عمل شود. ۲۶ تا فرزندان تو ای خداوند، که آنها را دوست داشته‌ای، یاد بگیرند، این محصول زراعی نیست که بشر را حفظ می‌کند، بلکه این کلام توست که آنهایی را که به تو ایمان و توکل دارند، حفظ می‌کند. ۲۷ زیرا آنچه در شعله آتش از بین نرفت،^۱ به سادگی با تابش زودگذر خورشید ذوب شده و از بین می‌رفت. ۲۸ تا همه بدانند که باید قبل از طلوع خورشید، برخاسته و تو را ستایش کنند؛ و با شروع روز، به حضور تو آمده و دعا کنند. ۲۹ امید یک فرد ناسپاس مانند یخهای زمستان ذوب می‌گردد، و مانند آبهای هرز، بدون استفاده به دور ریخته می‌شود.

وحشت در شب

۱۱۷ دآوری تو عالی و توضیح آنها خارج از وصف است. به همین دلیل کسانی که تو را خوب نمی‌شناسند گمراه می‌شوند. ۲ مردم خدا شناس تصور می‌کردند که قوم مقدس تو را در تحت قدرت خود نگه داشته‌اند، اما در واقع خودشان زمانی که در زیر بام خانه خود استراحت می‌کردند اسیر یک شب بلند و تاریک شده و از تقدیر خود بی‌خبر بودند. ۳ آنها فکر کردند که با کشیدن یک پرده فراموشی بر روی خود می‌توانند گناهانشان را پنهان کنند. اما در عوض، آنها وحشت زده و در ترس از اشباح به هر سو پراکنده شدند.

۴ آنها خود را در عمیق‌ترین گوشه‌های خانه خود پنهان کردند، اما ترس آنها از بین نرفت. حتی آنجا نیز صداهای وحشت انگیز آنها را احاطه کرده بود؛ و اشباح دلخراش با چهره‌های غمناک در مقابل آنها ظاهر می‌شد. ۵ و هیچ شعله آتشی آنقدر قدرت نداشت که بتواند به آنها روشنایی ببخشد. و نور

۱ - منْ یا نان آسمانی در زیر گرمای خورشید، ذوب شده و از بین می‌رفت اما بر روی آتش و در هنگام پختن از بین نمی‌رفت؛ (خروج ۱۶: ۲۱).

درخشان ستاره‌ها نیز برای روشن کردن آن شب هولناک کافی نبود. ۶ هیچ چیز به آنها روشنایی نمی‌داد، به جز یک آتش وحشتناک که با دست هیچ بشری روشن نشده بود، و با وحشت چیزهایی را دیدند که خیالات ذهنشان بود، اما دنیای واقعی حتی از آنچه تصور می‌کردند، بدتر بود. ۷ توهمات متأثر از هنر جادوگری آنها دیگر هیچ فایده‌ای نداشت، و تمام درایت و هوش آنها تحقیر شده و به طرز شرم‌آوری به جایی نرسیده بود. ۸ کسانی که تصور می‌کردند می‌توانند ترس‌ها را برطرف کنند و موجودات بیمار را از وحشت رها کنند، اکنون خودشان از ترس‌های احمقانه و بی‌اساس بیمار شده بودند. ۹ حتی وقتی چیزی برای ترساندن آنها وجود نداشت، آنها از صدای حرکت جانوران کوچک و مارها می‌ترسیدند. ۱۰ آنها لرزان از ترس هلاک شدند، حتی چشمان خود را می‌بستند، گویی که از این طریق می‌توانند از آنچه باعث ترس آنها می‌شد، دوری کنند ۱۱ شرارت یک عمل ناجوانمردانه است و خودش بر خودش حکم داده و محکوم می‌شود. وجدان شخص گناهکار همیشه تصور می‌کند که اوضاع از آنچه واقعاً هست، بدتر است. ۱۲ زیرا ترس چیزی نیست جز تسلیم و عدم توانایی عقل جهت غلبه بر شرایط پیش آمده. ۱۳ و هر چه امید جهت غلبه بر شرایط ضعیف‌تر می‌شود، افراد ترجیح می‌دهند هر آنچه را که سبب عذاب آنها شده، بیشتر نادیده بگیرند.

۱۴ در تمام طول شب، مردم به همان صورت هر شب خوابیدند، هر چند شب هیچ قدرتی بر آنها نداشت، زیرا از گوشه فاقد قدرت دنیای مردگان آمده بود. ۱۵ اشباحی که زائیده تصورات خودشان بود به دنبال شکار آنها بودند؛ بدینسان از عجز روحی خود فلج شده و ترس ناگهانی و غیر منتظره تمام وجود آنها را غرق کرد. ۱۶ از اینرو هر کسی در آنجا فرو ریخته و در زندان ترس خود محبوس می‌شد. ۱۷ آنها چه کشاورز یا چوپان بودند، یا کارگرانی که در بیابان کار می‌کردند، اسیر شده و سرنوشت غیرقابل اجتنابی را تحمل می‌کردند. همه آنها به یک زنجیره تاریک و واحد بسته شده بودند. ۱۸ خواه صدای نجوای باد، یا صدای پرندگان که در شاخه‌های انبوه درختان آواز می‌خوانند، یا ریتم موزون آبی که به تندی روان است، ۱۹ یا صدای سقوط شدید صخره‌ها از پرتگاه، یا حرکت سریع و نامرئی حیوانات کوچک، یا غرش و نعره وحشی‌ترین جانوران، یا پژواک و انعکاس صدا در دل کوهها؛ هرچه بود، آنها را وحشت زده و کاملاً فلج کرد. ۲۰ زیرا تمام

جهان با نوری درخشان روشن می‌شود، و کار هر روزه خود را بدون مانع انجام می‌دهد. ۲۱ سایه سنگین شب بر آنها سایه افکنده بود، که نشان از تاریکی مرگی داشت که انتظار آنها را می‌کشید؛ اما خود آنها از ظلمات شب سنگین‌تر بودند.

ستون آتش

۱۱۸ در مقابل، نوری باور نکردنی در اطراف مقدسان تو می‌درخشید. دشمنان آنها صدای آنها را شنیدند، اما نتوانستند چهره‌های ایشان را ببینند. آنها مقدسان تو را خوشبخت دانستند، زیرا آنها به اندازه دشمنان خود متحمل رنج نشده بودند. ۲ و سپاسگزار بودند که مقدسان تو، اگرچه قبلاً مورد ستم قرار گرفته بودند، اما هیچ صدمه‌ای به آنها نزدند. و بخاطر رفتار بدی که با قوم تو داشتند از آنها تقاضای بخشش کردند.

۳ تو ستونی از آتش برای قوم خود فراهم کردی تا هدایت کننده آنها در مسیر سفر نامعلومی باشد که در پیش رو داشتند. درست همانند خورشیدی در سفر طولانی با شکوه آنها و بدون اینکه به ایشان آسیبی برساند. ۴ زیرا دشمنان آنها شایسته محرومیت از نور و زندانی شدن در تاریکی بودند، آنان فرزندان تو را در بند کرده بودند، و این از طریق قوم تو بود که باید نور ابدی شریعت و فرامین تو به جهانیان داده می‌شد.

رهایی اسرائیل

۵ وقتی آنها تصمیم به کشتن نوزادان قوم تو گرفتند، تنها یک کودک نجات یافت، در عوض تو در هنگام مجازات آنها، تعداد زیادی از فرزندان ایشان را از بین برده و همه آنها را در امواج نیرومند آب نابود کردی.

۶ وقوع چنین شبی از قبل برای اجداد ما شناخته شده بود، تا آنها با آگاهی و اطمینان از وعده‌هایی که به آنها ایمان داشتند، دلشاد شوند. ۷ قوم تو در انتظار نجات صالحین و نابودی دشمنانشان بودند. ۸ به همان روشی که دشمنان ما را مجازات کردی، ما را نیز به طرف خود فرا خوانده و افتخار بزرگی به ما بخشیدی. ۹ زیرا فرزندان مقدس و نیکوی تو به طور پنهانی مراسم قربانی را بجا آورده و با اتفاق نظر، برای برقراری احکام الهی موافقت کرده بودند؛ تا هم در چیزهای خوب و هم در خطرات با هم سهیم باشند.

۱۰ در مقابل، پژواک فریادهای ناگوار و اندوهناک دشمنان آنها که برای کودکان مرده خود سوگواری می‌کردند در همه جای این سرزمین طنین انداخته بود. ۱۱ برده و ارباب هر دو با همان مجازات روبرو شدند، و مردم معمولی و پادشاه هر دو متحمل یک رنج بودند. ۱۲ همه مردگان به یک شکل با مرگ روبرو شده بودند، اجساد آنها بسیار زیاد و خارج از شمارش بود؛ و تعداد زندگان برای دفن آنها کافی نبود. از آنجا که در یک لحظه با ارزش‌ترین فرزندانشان از بین رفته بود. ۱۳ زیرا هرچند به خاطر افسون جادوگران کاملاً به بینش خود ایمان داشتند، با این حال، هنگامی که نخست زاده آنها نابود شد، اعتراف کردند که قوم تو فرزندان خدا هستند.

۱۴ در حالی که سکوتی آرام همه چیز را فرا گرفته بود، و شب در مسیر خود با سرعت به نیمه شب می‌رسید، ۱۵ کلام قدرتمند تو از آسمان، و از تخت پادشاهی تو، بر این سرزمین محکوم نازل شد. یک جنگجوی سنگدل، وارد سرزمینی شد که برای تخریب مشخص شده بود. ۱۶ شمشیر تیز و دو دم فرمان تغییر ناپذیر تو را حمل می‌کرد، او ایستاد و همه چیز را لبریز از مرگ کرد، و در حالی که هنوز روی زمین ایستاده بود، آسمان را نیز لمس می‌کرد. ۱۷ سپس به یکباره کابوسهای وحشتناک، آنها را به هراس انداخت؛ و ترس‌های غیر قابل انتظار، سراسر وجود آنها را فرا گرفت. ۱۸ و یکی اینجا و دیگری در آنجا، نیمه جان بر روی زمین ریخته بودند. آنها می‌خواستند علت مرگ خود را بدانند. ۱۹ اما کابوسهایی که سبب اضطراب آنها شده بود، از قبل آنها را از وقوع چنین اتفاقی آگاه ساخته بود، تا بدون آگاهی از رنج خود، هلاک نشوند.

۲۰ تجربه مرگ، صالحان را نیز در بر گرفت، و افراد زیادی در بیابان دچار این بلا شدند؛ اما غضب طولانی نشد. ۲۱ زیرا مرد پاک سیرتی^۱ برای دفاع از آنها، سریعاً وارد عمل شد. او سپر خدمت خود را که دعا و سوزندان بخور جهت کسب بخشش بود، به دست گرفته و در مقابل خشم الهی محکم ایستاد و به این فاجعه پایان داد. او در واقع نشان داد که خادم توسست. ۲۲ او نه با قدرت بدنی و نه با زور اسلحه، بلکه با استفاده از کلام خود خداوند و با یاد آوری وعده‌ها و عهدهایی که به اجداد ما داده بود بر خشم الهی غلبه کرد. ۲۳ زیرا وقتی مردگان همچنان بر روی یکدیگر همانند کوهی

۱ - احتمالاً منظور نویسنده، هارون بوده است.

انباشته می‌شدند؛ او مداخله کرده و خشم الهی را از گرفتن جان آنها فرو نشاند. ۲۴ او ردای بلندی می‌پوشید که با نمادهایی از جهان تزئین شده بود. او چهار ردیف سنگ گران قیمت روی سینه خود داشت که نام پر شکوه نیاکان قوم خدا بر آنها حکاکی شده بود. و جلال و عظمت خداوند بر دستار او می‌درخشید. ۲۵ هلاک کننده^۲ در مقابل این نمادها تسلیم شد، این صرفاً تجربه‌ای از خشم خداوند بود که در حال حاضر برای آنها کفایت می‌کرد.

عبور از دریای سرخ

۱۱۹ اما خدا شناسان با یک غضب الهی و فاقد هر گونه ترحمی تا به آخر مورد حمله قرار گرفتند، زیرا خدا از قبل می‌دانست چه اقدامی خواهند کرد. ۲ آنها پس از اینکه به قوم تو اجازه دادند که با سرعت آنجا را ترک کنند، نظر خود را تغییر داده و آنها را تعقیب کردند. ۳ زیرا آنها هنوز مشغول سوگواری بودند، و بر سر گور مردگانشان مویه می‌کردند، که تصمیم به یک کار احمقانه دیگر گرفتند، و کسانی را که با خواهش و التماس مجبور به ترک آنجا کرده بودند، سپس چون فراریان مورد تعقیب قرار دادند. ۴ سرنوشتی گریز ناپذیر که سزاوار ایشان بود، آنها را به سمت این تصمیم سوق داد و باعث شد تا همه چیزهایی را که اخیراً برایشان اتفاق افتاده بود فراموش کنند. همه اینها اتفاق افتاد تا آنها متحمل عذابی بشوند که از آنها دریغ شده بود.

۵ در حالیکه قوم تو یک سفر باور نکردنی را تجربه می‌کردند، ممکن بود دشمنان آنها با مرگی عجیب و غیر معمول روبرو شوند. ۶ زیرا تمامی خلقت در طبیعتش شکل جدیدی به خود گرفته^۱ و در تحت فرمان تو عمل می‌کرد به طوری که فرزندان تو آسیب نبینند. ۷ ابری ظاهر شد و اردوگاهشان را با سایه خود پوشاند. زمین خشک در جایی ظاهر شد که پیش از این کاملاً در زیر آب فرو رفته بود. راهی بدون مانع در دریای سرخ پدیدار گشت،

۲ - فرشته هلاک کننده مسئول گرفتن جانها و تنبیه دشمنان خداوند بر اساس داوری الهی بود.

۱ - پدیده‌های شگفت انگیز و غیر قابل باوری که امکان خروج از مصر را برای قوم اسرائیل فراهم آورد، به نوعی به شکل یک تغییر جدید در آفرینش مورد وصف قرار گرفته است.

و امواج خروشان تبدیل به یک دشت سرسبز شد. ۸ جایی که افراد تحت حمایت تو بعد از اینکه شاهد شگفتی‌های چشم نوازی بودند، به عنوان یک ملت واحد از آنجا عبور کردند. ۹ همانند اسب‌ها در چمنزار بودند، و مثل بره به این سو و آن سو می‌جهیدند؛ و تو را ای خداوند که نجات دهنده آنها بودی، ستایش می‌کردند. ۱۰ زیرا آنها هنوز وقایع محل تبعید خود را به یاد می‌آوردند، چگونه زمین به جای احشام، سبب ایجاد حشرات شد، و از رودخانه به جای ماهی، قورباغه‌های زیادی به بیرون ریخت. ۱۱ بعدها نیز وقتی گرسنه شده و هوس غذای لذیذ کردند با نوع جدیدی از پرندگان روبرو شدند. ۱۲ زیرا برای ارضای اشتهای آنها، بلدرچین‌ها از دریا بیرون آمدند. ۱۳ در مقابل، مجازات بر گناهکاران فرو بارید، اما نه قبل از هشدار واضح از طریق رعد و برق شدید.^۲ رنجی را که بخاطر اعمال ناشایست خود متحمل می‌شدند کاملاً عادلانه بود زیرا نفرت زیادی نسبت به بیگانگان داشتند. ۱۴ در واقع، آنها از استقبال افراد غریبه که به نزد آنها آمده بودند امتناع ورزیدند، و میهمانان خود را که برای ایشان سودمند هم بودند به بردگی گرفتند. ۱۵ هر قومی در صورت عدم پذیرش بیگانگان، مجازات خواهد شد؛ اما مجازات مضاعفی نیز در انتظار مصریان خواهد بود، ۱۶ زیرا در ابتدا از بیگانگان با جشن و شادی استقبال کردند، و حق و حقوق خود را در استفاده از این سرزمین با آنها به اشتراک گذاشتند. اما سپس آنها را مجبور به انجام کارهای سخت کردند. ۱۷ لذا آنها نیز مبتلا به نابینایی شدند. درست مانند مردانی که بر در منزل شخص صالح به نابینایی دچار شدند؛^۳ و چنان در ظلمات غرق گشتند که هر یک به دنبال راه خانه خود می‌گشت.

۱۸ عناصر جهان تغییر کرده و ترکیبات جدیدی را بوجود می‌آورد؛ همانطور که در مورد زدن چنگ، نت‌ها سبب تغییر ریتم می‌شوند اما تغییری در ماهیت آهنگ ایجاد نمی‌کنند. این امر ممکن است به وضوح از چشم شخصی که به وقایع نگاه می‌کند قابل استنباط باشد. ۱۹ زیرا حیوانات خشکی به

۲ - تفسیر یهودیان از خروج می‌گوید که قبل از غرق شدن سپاه فرعون در دریای سرخ، طوفان سهمگینی شروع شده بود.

۳ - احتمالاً منظور نویسنده از مرد صالح، شخص لوط است که کسانی که بر در خانه او جمع شده بودند به کوری مبتلا گشتند.

موجودات آیزی تبدیل شدند، و موجوداتی که شنا می‌کردند به سمت خشکی حرکت کردند. ۲۰ آتش حتی در آب، شعله خود را حفظ کرد، و آب قدرت خاموش کردن آتش را از دست داد. ۲۱ جانوران کوچکی که در دام شعله‌های آتش افتاده بودند دیگر نمی‌سوختند. آتش حتی دیگر قادر به ذوب کردن نان آسمانی نبود هر چند که ذوب کردن آن مثل یخ آسان بود.

حمد و ستایش

۲۲ ای خداوند در همه چیز، قوم خود را برتری و جلال داده‌ای؛ و تو از کمک به آنها در هیچ زمان و هیچ مکانی غافل نشده‌ای.